# منشور حقوق زن
# و وظایف وی
# در اسلام


ترتیب دهنده:

د. ابراهیم ناصر

ترجمه:

قریب الله «مطیع»

بسم الله الرحمن الرحیم

## فهرست مطالب


مقدمۀ مترجم ........................................ 2
پیشگفتار ........................................ 4
مقدمه ........................................ 5
سرآغاز و مقدمات اساسی ........................................ 7
اصول و ضوابط شرعی در مورد حقوق و وظایف زن ........................................ 14
بینش و نمای این منشور ........................................ 27
سفارش‌ها و درخواست‌ها ........................................ 40
مسؤلیت امت و جوامع مسلمانان ........................................ 40
مسؤلیت زن مسلمان ........................................ 43

# مقدمۀ مترجم

شریعت اسلامی به مناسب‌ترین وجه کرامت و عدالت نسبت به زنان را بیان داشته و آنان را از جور و ستم جاهلیت نجات داده است، و عادلانه جنبه‌های مختلف انسانی و جنسی آنان اعم از دختر بودن، همسر بودن، مادر بودن و عضو جامعه بودن را محفوظ نموده است. ما منکر آن نیستیم که در بعضی از جوامع مسلمانان و در زمان‌های مختلف، برخی از مسلمانان به نام دین بر زن ظلم روا داشته و او را از حقوق مسلمش مانند آموزش مسایل دینی محروم، و در انتخاب شریک زندگی مورد رضایت خاطرش آزاد نگذاشته‌اند، لیکن این امور از عدم شعور صحیح دینی سرچشمه گرفته و جنبۀ عمومی ندارد. و همواره مسلمانانی بوده‌اند که منکر این اوضاع بوده و برای رفع آن تلاش نموده‌اند در حالیکه به همه هویداست که زن در جامعه نقش بسیار اساسی را به عهده دارد. چنانکه شاعر می‌گوید:

الأم مدرسة إذا أعددتها          أعددت شعباً طيب الأعراق

«مادر مدرسه‌ای است که اگر آن را مهیا نمایی یک ملت پاک نهاد را ساخته‌ای». لیکن بعد از گشودن دروازه‌های تبادل فرهنگی با کشورهای غربی و شرقی غیر مسلمان، چیزهایی در جامعه اسلامی پدید آمد که قبلا وجود نداشت مانند: کار کردن زن در کارخانه‌ها و ادارات دولتی، و پیش‌نمودن زنان به مسایل سیاسی، و شرکت در مسایل انتخاباتی و..... زمانیکه مرد و زن به گونۀ مساوی با هم، بدون مراعات خصوصیت‌های ذاتی هرکدام، پا جا پای یکدیگر بگذارند و اختلاف ذاتی و فطری جنس خود را نادیده بگیرند، مسیر زندگی به اهداف واقعی خویش منتهی نمی‌گردد، چون دور از عقل و عدالت است که خداوندﻷ بین دوجنس مختلف که مصالح ذاتی آنها و مصالح جامعه مبنی بر اختلاف و تفاوت بین آنهاست، مساوات قایل شود، پس باید وظایف‌شان باهم فرق داشته باشد و عقل و عدل غیر این را نمی‌پذیرد.

زن نصف جامعهٔ انسانی را تشکیل می‌دهد بلکه نصف مهمترجامعه اند، پس باید درپرتو قانون الهی افراد جامعه را به کرامت، عدالت و رفع ستم نسبت به زنان فراخواند، تا زنان بتوانند در مسایل آموزشی، تربیتی و شغل‌های متناسب با طبیعت و سرشت و شخصیت اجتماعی و توان جسمی و روحی و تحمل مسؤلیت‌های ویژهٔ خویش، و انتخاب همسر و تشکیل خانواده و کانون زندگی مشترک، منصفانه به حقوق مسلم و متناسب خویش دست یابند، و چنین هم به نظر می‌رسد که مردم درپرتو حوادث و رویدادها خواهی نخواهی به تدریج به حکمت شریعت الهی دربارهٔ زن برمی‌گردند، حتی دشمنان نیز اعتراف می‌کنند که، شریعت اسلامی حقوق و احترامی به زنان داده است که به طور مطلق در هیچ یک از شریعت‌های دیگر و قوانین وضعی نیامده است. پس برزن مسلمان لازم است که وحدت خانواده را رعایت کند و مرد نیز بر مبنای مسؤلیت‌ها و وظائف و تکالیفش در قبال همسرش این وحدت و این انسجام را حفظ کند. و در بیرون از منزل: زن باید حجاب را سخت مراعات نموده و از اختلاط با مردان و خودنمایی و زینت و زیورنمایی حذر نماید که این خود رمز سلامت جامعه از شیوع مسایل جنسی و بی‌بندو باری و بی‌سرو سامانی است که جوامع غربی امروز در آن غرقند، اگر این مسایل در جامعه‌های مسلمانان بطور درست مراعات شود، دل‌ها از آلودگی‌ها و جامعه از گمراهی‌ها و منکرات پاک خواهد شد و عفت و حیا مصون خواهد ماند، زیرا هر اندازه زنان از ابتذال و بی‌بند و باری و مواضع تهمت دور باشند، قوت و صلابت مردان بیشترخواهد شد، در غیر آن، این صورت قضیه برعکس خواهد گردید.

به امید ایجاد جامعهٔ نوینی که خالی از هرگونه زشتی و فرومایگی‌های باشد که بنیاد خانواده و جامعه را متزلزل می‌سازد.

قریب الله «مطیع»
qarib@maktoob.com

# پیشگفتار

این منشور که با همکاری و کوشش‌های دهها تـن از دانشـمندان و اندیشـمندان اسـلامی تهیه و آماده گردیده است، موضع و موقـف شـریعت اسـلامی را در مـورد حقـوق زن و مسائل مربوط به وی که در عصر حاضر قضیۀ مهمی در ساحات جوامـع اسـلامی بطـور چشمگیر مطرح بوده و تمدن غرب مفتون آن گردیده، و غبار این فتنه بعضـی از جوامـع اسلامی و افکار برخی از فرزندان امت مسلمه را هم فرا گرفتـه اسـت، بیـان نمـوده و در دفاع از زن و حقوق وی، بسیاری از مسائل مربوط بوی را طبق اوضاع پر آشـوب و فتنـه انگیز عصر کنونی بطور دقیق بررسی کرده و بشکل مختصر و مستند آماده و تقدیم نموده است.

# مقدمه

**الحمدلله والصلاة والسلام علی رسول الله وعلی آله وصحبه أجمعين.**

این منشور موقف شریعت اسلامی را در مورد زن و حقوق وی در جامعه بیان می‌کند، حقوقی که در عصر حاضر قضیهٔ داغ و مهمی بوده و پیرامون آن بحث و مناقشه در هرگوشه و کنار صورت می‌گیرد، چون غرب‌گرایی با جلوه‌های سراب مانندش در همه کشورهای اسلامی گسترش یافته و می‌خواهند فرزندان این امت را به بیراهه بکشانند، این پیام دلسوزانه بخاطر پند و عبرت به فرزندان امت اسلامی تقدیم می‌شود تا فریب بی‌دینان و اغوا کنندگان را نخورده و روزی به دام آنها نیفتند، و باید بدانند که خداوند عزوجل دستور و قانونی را که برای بشریت وضع نموده موافق و مطابق و شایستهٔ هر زمان و مکان بوده و رحمت و عطوفت خداوند شامل حال همه است.

سازمان‌ها و گروه‌های بین المللی غربی با دیدگاه‌های سکولرستی و مادی‌گرایی منحط و شهوانی شان، با همکاری و همدستی دولت‌های غربی، جهت هدف قرار دادن ارزشهای والای اخلاقی این امت تصمیم گرفته اند، تا بصورت آشکار و شتاب‌زده، دشمنی خود را صراحتاً اعلام بدارند.

حالا که به همه، اسباب عجز و ناتوانی سیاستمداران در مقابل حملات و تجاوزات سیاسی و عسکری دشمن هویدا و قابل درک گردیده است، و در این مراحل حساس که امروز و فردا با آن مواجه هستیم، نباید دانشمندان و اندیشمندان امت اسلامی در برابر حملات فرهنگی و فکری دشمن نیز عاجزانه گوشه‌نشینی را اختیار کرده و واکنشی از خود نشان ندهند زیرا دشمن قبلاً جبهات مستحکمی را در این روند تشکیل داده و جهات معینی را در داخل امت اسلامی هدف حملات فرهنگی خویش قرار می‌دهند، تا بدین‌وسیله باور و اعتماد فرزندان این امت را به شعائر دین شان تضعیف نمایند. شاید هم بتوانند روزی کشوری از کشورهای اسلامی را مورد حمله قرار داده نظام سیاسی آنرا از بین ببرند و یا نیروی عسکری آنرا از پا در آورده متلاشی سازند، لیکن تا وقتیکه

مسلمانان اطمینان و اعتماد شان را نسبت به دین مقدس شان از دست نداده باشند هرگـز دشمن توان این را نخواهد داشت که بر ملت‌های مسلمان مسلط و مسیطر شود.

خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿وَدَّت طَّآئِفَةٌ مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ لَوۡ يُضِلُّونَكُمۡ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّآ أَنفُسَهُمۡ وَمَا يَشۡعُرُونَ ٦٩﴾ (آل عمران: ٦٩).

«گروهی از اهل کتاب آرزو داشتند کاش می‌شد شما را گمراه کنند (و با القاء شبه‌هایی در دینتان، شما را از اسلام برگردانند،) ولی (با این کارها) جز خویشتن را گمراه نمی‌سازند و نمی‌فهمند». همچنان ﷻ می‌فرماید: ﴿وَدُّواْ لَوۡ تَكۡفُرُونَ كَمَا كَفَرُواْ فَتَكُونُونَ سَوَآءٗ﴾ (النساء: ٨٩).

«(آنان) دوست می‌دارند که شما کافر شوید همان گونه که خود کـافر شـده‌انـد و (در کفر با ایشان) مساوی شوید».

این حقیقتی است که قرآن آنرا ثابت می‌کنـد و بـدین ملحـوظ موجـب مـی‌شـود تـا مصلحان این امت گرد هم آمده با همدستی و همدلی و اتفاق نظر توطئه‌های شوم آنها را که در ساحات مختلف بویژه آنچه به زن تعلق می‌گیرد به امت اسلامی افشاء نموده از آن جلوگیری نمایند.

در جمع آوری این وثیقه‌نامه کوشش شده تا با ذکر دلیل بدون شرح مفصـل آن بطـور مختصر و فشرده به خوانندگان گرامی تقدیم گردد.

**این منشور حاوی مطالب ذیل می‌باشد:**

* سر آغاز و مقدمات اساسی.
* اصول و مقررات شرعی مربوط به حقوق زن و وظایفش.
* بینش توضیحی و تعلیلی به برخی از این اصول.
* سفارش‌ها و درخواست‌ها.



## سرآغاز و مقدمات اساسی

در مورد حقوق زن و وظایف وی، مبادی و مقدمات اساسی شرعی و واقعی وجـود دارد که هرگونه ترکیـب و اصـول شـرعی پیرامـون آن را مـورد بحـث و بررسـی قـرار داده، خواسته‌ها و مسلمات آنرا تعیین می‌نماید، چنانکـه راه عـلاج عـوارض و پـیش‌آمـدهای مترقبه را نیز درمی‌یابد، که مهمترین آن از قرار ذیل است:

1ـ اعتقاد قاطع براینکه یگانه مصدر خیر و حق، چه مربوط به امور دنیوی باشـد و یـا اخروی، همانا وحی الهی با دو اصلش، قرآن کریم و سنت مطهر پیامبر ص، می‌باشد.

و به تعقیب آندو اصل پاک، اجماع ثابت شده و معتبر قرار گرفته و نظـر بـه ارزش و اعتباری که در اسلام دارد در وقت ضرورت به آن رجـوع شـده و مخالفـت بـا آن جـایز نمی‌باشد، زیرا یکی از شروط و زیربنای ایمان بشمار می‌رود، خداوندﻷ می‌فرماید:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤۡمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيۡنَهُمۡ ثُمَّ لَا يَجِدُواْ فِيٓ أَنفُسِهِمۡ حَرَجٗا مِّمَّا قَضَيۡتَ وَيُسَلِّمُواْ تَسۡلِيمٗا ٦٥﴾ (النساء: 65).

«به پروردگارت سوگند که ایمان نمی‌آورند تا آنکه ترا در آنچه میانشان مایه اخـتلاف است، داور گردانند، آن گاه در آنچه داوری کردی، هیچ دلتنگی در خود نیابنـد و تسـلیم شوند به تسلیم شدنی».

و از جملۀ امور معلوم و آشکار در دین، که باید هر مسلمان آنرا بداند، یگانه پنداشتن خداوند در آفرینش همه کائنات است، که بنده باید ایمان و یقین کامل داشـته باشـد کـه قانون‌گذار و حکم‌فرما، در همه شئون و عرصه‌های زندگی افراد و جوامع بشـری، تنهـا و تنها الله تبارک و تعالی می‌باشد.

و در مورد یگانه پنداشـتن خداونـد در عبـادت اینسـت کـه بنـدگان بایـد در تمـامی امورشان، الله ﻷ را حاکم و داور خود گردانند، و به جز او کسی دیگری را بـه داوری بـر نگزینند.

2ـ بندۀ مسلمان باید یقین کامل داشته باشد که شریعت اسلامی در هر زمان و مکان قابل تطبیق بوده و اهلیت و شایستگی آنرا دارد، و قوانین و احکام آن، همه نواحی حیات بشری را دربر دارد، و یقین و اعتماد کامل بر همه احکام و قوانین کلی و جزئی دین داشته باشد، و بداند که اسلام دینی متکاملی است که کلیه امور خیر، عدل و مساوات، رحمت و شفقت را فرا گرفته است. خداوندﻷ می‌فرماید: ﴿إِنَّ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ يَهۡدِي لِلَّتِي هِيَ أَقۡوَمُ وَيُبَشِّرُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٱلَّذِينَ يَعۡمَلُونَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أَنَّ لَهُمۡ أَجۡرٗا كَبِيرٗا ٩﴾ (الإسراء: ۹).

«قطعا این قرآن به آیینی که پایدارتراست راهنمون می‌گرداند و مؤمنان را که کارهای شایسته می‌کنند بشارت می‌دهد که پادشی بزرگی برای‌شان خواهد بود» آنچکه سبب اعتماد و اطمینان در این مورد می‌شود، آنست که مصدر این قوانین و مقررات، خداوند عزیز و حکیم است، ذاتی که بربندگانش لطف و شفقت می‌ورزد و با علم گسترده و حکمت کاملش مدبر امور است، خداوندﻷ می‌فرماید:

﴿أَفَحُكۡمَ ٱلۡجَٰهِلِيَّةِ يَبۡغُونَۚ وَمَنۡ أَحۡسَنُ مِنَ ٱللَّهِ حُكۡمٗا لِّقَوۡمٖ يُوقِنُونَ ٥٠﴾ (المائدة: ۵۰).

«آیا خواستار حکم جاهلیت اند؟ و برای مردمی که یقین دارند، داوری چه کسی از خدا بهتراست»

لذا درست کردن و اصلاح نمودن هرگونه خللی در هر حالت و در هر رابطه‌ای، لازم است که موافق به معیار شریعت باشد، خواه در درستی یا نادرستی، یا در حق باشد یا در باطل، و نباید این معیارها را دیگران که از نگاه دین و عقیده با ما ارتباطی ندارند و یا هم آنعده مسلمانانی که متأثر به ایدیولوژی آنها اند سنجش و تعیین نمایند، خداوندﻷ می‌فرماید:

﴿وَٱحۡذَرۡهُمۡ أَن يَفۡتِنُوكَ عَنۢ بَعۡضِ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ إِلَيۡكَ﴾ (المائدة: ۴۹).

«و از آنان برحذر باش، مبادا که ترا در بخشی از آنچه خدا بر تو نازل کرده، بـه فتنـه دراندازند».

3ـ به فرزندان امت اسلامی آگاهی داده شود تا از قوانین و مقررات وضع شده توسط بشر که اغلباً بر مبنای مخالفت با نصوص قرآنی و قواعد و اصول دین اسلام استوار بوده و با شعائر و ارزشهای والای دین مغایرت دارد هرچند احیانا در ظاهر زیبا و پسندیده جلوه نماید و شاید هم در بعضی از جوانب این قوانین گوشهٔ از حقایق به نظر آید که آنهم بدون شک نتیجه سرشت پاک انسانی بوده که در ابتدای خلقت بر آن آفریده شده و یا اینکه در نتیجهٔ عقلانی بودن بشر چنین جنبهٔ مثبتی در قوانین وضعی به نظر خواهد بخورد، برحذر باشند. خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَوۡ كَانَ مِنۡ عِندِ غَيۡرِ ٱللَّهِ لَوَجَدُواْ فِيهِ ٱخۡتِلَٰفٗا كَثِيرٗا ٨٢﴾ (النساء: ٨٢).

«و اگر– قرآن– از جانب غیرخدا می‌بود قطعا در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند».

همچنان آگاه ساختن فرزندان این امـت بـر اینکـه مصـدر همـه تبهکـاری و فسـاد و گزندهای که بشربت چه مسلمان و چه کافر از آن شکایت داشته و رنج مـی‌برنـد، همانـا مغایرت و تباین قوانین وضع شده و خودساختهٔ آنها با اسـلام و دوری ایشـان از آیـین و ارشادات اسلام که یگانه مرجع اساسی حق بوده، و آرامش و آسایش بشریت در آن نهفته است، می‌باشد، خداوندﻷ می‌فرماید:

﴿ظَهَرَ ٱلۡفَسَادُ فِي ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِ بِمَا كَسَبَتۡ أَيۡدِي ٱلنَّاسِ﴾ (الروم: ٤١).

«فساد در بر و بحر آشکار شد به سبب عملکرد مردم» همچنان او تعالیﻷ می‌فرماید:

﴿لَوۡ كَانَ فِيهِمَآ ءَالِهَةٌ إِلَّا ٱللَّهُ لَفَسَدَتَاۚ فَسُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ رَبِّ ٱلۡعَرۡشِ عَمَّا يَصِفُونَ ٢٢﴾ (الأنبياء: ٢٢).

«اگر در آن دو– آسمان و زمین– جز خدای یگانه، خدایان دیگری وجود می‌داشـت، قطعاً زمین و آسمان هردوتباه می‌شد، پس منزه است خداوند پروردگـار عـرش، از آنچـه وصف می‌کنند».

4 ـ مسلمان باید متیقن بوده و ایمان کامل داشته باشد که دین اسلام یگانه دینی عدل است، و لازمه و خواست عدل اینست که میان دو هم‌جنس مساوات برقرار کند، و دوجنس مختلف را وقتیکه امکان مساوات میان شان نباشد، از هم جدا کند.

و کسیکه ادعا می‌کند که اسلام دین مساوات بدون قید و شرط است، اشتباه بزرگی را مرتکب شده است، زیرا مساوات مطلق گاهی هم نیاز به عملی نمودن مساوات میان دو چیز متفاوت و مختلف را ایجاب می‌کند، که این در حقیقت ظلمی آشکار است، و کسانی که برداشت شان از مساوات، عدل است، آنها معنای درستی را از کلمه مساوات برداشت نموده‌اند ولی در لفظ آن به خطا رفته اند، زیرا یک حرف از قرآن کریم هم امر به مساوات مطلق ننموده است، بلکه امر به عدل نموده است، چنانکه خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ يَأۡمُرُ بِٱلۡعَدۡلِ وَٱلۡإِحۡسَٰنِ﴾ (النحل: ۹۰).

«در حقیقت، الله به عدل و احسان امر می‌کند»

چه بسا احکام و قوانین شریعت اسلامی بر اساس عدل استوار است، و مساوات را در صورتی مراعات می‌نماید که در آن عدل باشد، و همچنان تفاوت در صورتی می‌گذارد که در آن عدل برقرار باشد، خداوند می‌فرماید: ﴿وَتَمَّتۡ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدۡقٗا وَعَدۡلٗاۚ لَّا مُبَدِّلَ لِكَلِمَٰتِهِۦۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ١١٥﴾ (الأنعام: ۱۱۵).

«و سخن پروردگارت به صدق و عدل سرانجام گرفته است، کلمات او را دگرگون کننده‌ای نیست، و او شنوای داناست».

یعنی صدق در آگاهی، و عدل در احکام. لذا اسلام زندگی و روابط بشریت را بر اساس عدل تا آخرین حد برپا نموده و استوار نگه می‌دارد، پس عدل در هرحالت و با هرکسی و از هر انسانی مطلوب است، خداوند ﷻ می‌فرماید:

﴿وَلَا يَجۡرِمَنَّكُمۡ شَنَـَٔانُ قَوۡمٍ عَلَىٰٓ أَلَّا تَعۡدِلُواْۚ ٱعۡدِلُواْ هُوَ أَقۡرَبُ لِلتَّقۡوَىٰ﴾ (المائدة: ۸).

«و دشمنی قومی، شما را برترک عدالت وا ندارد، عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است».

5- در مورد روابط میان بشر، جاهلیت غربی عصر حاضر، به نظریۀ (فردی) معتقد بوده آنرا معیار اساسی قرار داده است، که به طبیعت حال و از روی منطق نتیجه و سرانجام این طرز فکر چنین خواهد شد که، پیروانش تسلیم بر آن گردند که یقینا علاقه و رابطه میان انسانها بر اساس کشمکش‌ها و غالب آمدن یکی بر دیگری، و خودخواهی و بخالت، و تنگی بر دیگران بوده و کمک، همکاری، دستگیری، بخشش، ایثار و فداکاری در جوامع آنها راهی نداشته و ندارد. این همه دگرگونی حاصل و ثمره کج‌روی از جادۀ حقیقت و از راهی که خداوندﻷ آنرا برای بشریت وضع نموده است، می‌باشد. پس کشمکش‌ها و اختلافات میان زن و مرد، و حقوق متعلق به هریکی از آنها، که اجندای کنفرانسها و محافل جهانی را در این وقت و زمان تشکیل می‌دهد، همه نتایج میراث تاریخ و فرهنگ غرب است که ریشه‌های دینی ـ تحریف شده ـ آنرا تقویت کرده و مفکورۀ عداوت و دشمنی میان زن و مرد را ازلی معرفی می‌نماید، و زن را سبب و مصدر اساسی همه اشتباهات می‌خوانند، این میراث تاریخی غرب شاید با بعضی از فرهنگ‌ها و آیدیالوژی‌های دیگر خلط خورده و همسیر گردیده باشد، ولی بدون شک و با تأکید، با شریعت اسلامی و فرهنگ مسلمانان هیچ رابطه و نسبتی نداشته و ندارد. در آیین اسلام زن و مرد این حق را ندارند که حقوق را تعیین نمایند، بلکه یگانه کسیکه حقوق همه را مقرر و تعین می‌نماید، خداوند لطیف و داناست، که فرموده است: ﴿هُوَ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ وَجَعَلَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا لِيَسۡكُنَ إِلَيۡهَا﴾ (الأعراف: ۱۸۹).

«اوست کسی که شما را از نفس واحدی آفریده و همسرش(حوا) را از وی پدید آورد تا (آدم) بدان آرام گیرد (و انس یابد)».

اما بی‌عدالتی، جـور و سـتم، سـلب و تلـف حقـوق در محـیط زیسـت مسـلمانان و بخصوص در زندگی بعضی از خانواده‌ها که به مشاهده می‌رسد اسـباب و علـل مختلفـی داشته که در این منشور به دو مورد آن اشاره می‌شود.

اول اینکه، آنها به اصول و مقررات دین مقدس اسلام توجه و متمسک نبوده، قوانین و فرهنگ غربی را سرمشق امور خود قرار داده‌اند.

دوم اینکه، از رسم و رواجهای فرسوده که مخالف شریعت اسلام بوده تقلید و بـه آن عمل نموده اند، که بلآخره منجر به معضله‌های گوناگون شـده و در نتیجـه از آن صـراط مستقیمی که خداوند عزوجل برای سعادت بشر تعیین فرموده منحرف شده بـه بـی‌راهـه رفته اند و سبب همچو بی‌عدالتی‌ها در مجتمعات ایشان شده است.

6- جنـگ و مبـارزۀ کـافران از ابتـدای درخشـیدن نـور اسـلام و پایـداری آن، علیـه مسلمانان آغاز گردیده و استمرارخواهد داشت، خداوندﻷ می‌فرماید:

﴿وَلَا يَزَالُونَ يُقَـٰتِلُونَكُمۡ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمۡ عَن دِينِكُمۡ إِنِ ٱسۡتَطَـٰعُواْ﴾(البقرة: ٢١٧).

«و اینان همچنان (مستمراً) با شما پیکار می‌کنند تا اگـر بتواننـد شـما را از دیـن تـان برگردانند».

و توأم با تسلط کفار بر مسلمانان که گـاهی رخ داده اسـت، گـروه منافقـان نیـز میـان مسلمانان عرض اندام نموده، و آنچه را که در قلب می‌پروراندند، با موضـع گیـری‌هـای شان آشکار ساخته، و کسانی هم پیدا شده که دنبال آنها رفته انـد، از اینـرو بایـد مبـارزۀ جدی و تصفیه حساب با این گروه فتنه انگیز صورت گیرد، چنانکه خداوندﻻ می‌فرماید:

﴿ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ جَـٰهِدِ ٱلۡكُفَّارَ وَٱلۡمُنَـٰفِقِينَ وَٱغۡلُظۡ عَلَيۡهِمۡۚ وَمَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ٩﴾ (التحریم: ٩).

«ای پیامبر! علیه کافران و منافقین جهاد کن و بر آنان غلظت کن، و جایگاه شان دوزخ است، و چه بد سرانجامی است!».

و می‌فرماید:

﴿هُمُ ٱلۡعَدُوُّ فَٱحۡذَرۡهُمۡۚ قَٰتَلَهُمُ ٱللَّهُۖ أَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ ٤﴾ (المنافقون: ٤).

«آنان خود دشمن اند، پس از آنان برحذر باش، خداوند هلاک شان کند، چگونه بی‌راهه می‌روند؟!»

چنانکه لازم است مسلمانان، از راه و روش فریبکارانه بسیاری از آنان که نصوص شرعی- آیات و احادیث- را تحریف و تأویل نموده و معانی و الفاظ و یا مفهوم و مقصود آن را، با پیشکش نمودن شبهات باطل و بی‌اساس، برای مردم ارایه می‌دارند، آگاهی داده شوند. همچنان لازم است دنباله‌روان حلقه بگوش این گروه مکار که تحت تاثیر شکست مادی و معنوی، که در عصرحاضر گریبان‌گیر آنان شده، نصیحت و توجیه و راهنمایی شوند، تا همچو مردمان فریب خورده ساده‌لوحی که حس عزتمندی و افتخار به احکام و قوانین این دین عزیز در وجود شان ضعیف شده و زیر تأثیر تبلیغات و شبهات گمراه کننده این گروه منافق رفته اند، به خود آمده، و به عزت و اعتلای دین اسلام پی‌ببرند.

## اصول و ضوابط شرعی در مورد حقوق و وظایف زن

در تاریخ اسلام و مسلمانان مشکلی بنام (مسایل زن) چه در اوج قدرت و عزت شـان، و چه در زمان ضعف و شکست آنـان وجـود نداشـت، ولـی هنگامیکـه غـرب و فرزنـدان غرب‌زدهٔ شان، امراض و رنجهایی گوناگون را بـا تبلیغـات شـان در جوامـع بشـری-کـه کشورهای اسلامی نیز شامل آن می‌باشد- انتقال دادند، مسایل و پیامدهـای بنـام (مسـألهٔ زن) مطرح گردید که گویی هیچ موضوع مهمتری جـز مسـألهٔ زن قابـل بحـث و مناقشـه نیست، غربی‌ها و دنباله‌روان آنان صداهای بنام آزادی زن را در جامعه مسلمانان بر اساس طرز فکری سیکولرستی غربی بلند نمودند. لذا لازم می‌بینیم که بعضی از اصول و ضوابط شرعی مربوط به زن را که دین مبین اسلام آنرا مقرر و تعیین نموده بیان نماییم:

1- زن طرفی از دو جنس بشری بشمار می‌رود، خداوندﻷ می‌فرماید: ﴿وَأَنَّهُۥ خَلَقَ ٱلزَّوۡجَيۡنِ ٱلذَّكَرَ وَٱلۡأُنثَىٰ ٤٥﴾ (النجم: ٤٥) «و اوست که جفتهای نر و ماده را می‌آفریند».

چنانکه زن پاره و جزوی از یک نفس انسانی است، خداوندﻷ می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ وَخَلَقَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا﴾ (النساء: 1).

«ای مردمان! از خشم پروردگارتان بپرهیزید، پروردگـاری‌کـه شـما را از یـک انسـان بیافرید و سپس همسرش را از او پدید آورد».

پس زن در اصل و منشأ و سرنوشتش، خواهر مـرد بـوده، و در راه آبـادی و بهبـودی جامعه – در اموری که به هرکدامی آنان تعلق می‌گیرد- همراه و هم مسیر است، همچنان در مسایل عامهٔ دینی، مانند توحید و اعتقاد، پاداش و کیفر، و بلآخـره در همـه قـوانین و مقرراتی که مربوط به حقوق و وظایف آنها است فرق و تفاوتی میان این دو جنس وجود نداشته و ندارد، خداوند ﻋﺰّﻭﺟﻞّ می‌فرماید:

﴿مَنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا مِّن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَلَنُحۡيِيَنَّهُۥ حَيَوٰةٗ طَيِّبَةٗۖ وَلَنَجۡزِيَنَّهُمۡ أَجۡرَهُم بِأَحۡسَنِ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٩٧﴾ (النحل: ۹۷).

«هرکس از مرد یا زن که کار نیک کند و او مؤمن باشد، بی‌گمان به زندگی پاک و پسندیدای زنده اش می‌داریم و مسلماً به آنان برحسب نیکوترین آنچه می‌کردند، پاداش می‌دهیم».

و پیامبر بزرگ اسلام ص می‌فرمایند: **(إنَّما النِساءُ شَقَائِقُ الرجال)** (نزد ابوداود و ترمذی) «همانا زنها، خواهران مردان اند» از اینرو میزان عزت و کرامت در نزد خداوندﻷ تقوا و پارسایی است، چنانکه خداوندﻷ می‌فرماید: ﴿إِنَّ أَكۡرَمَكُمۡ عِندَ ٱللَّهِ أَتۡقَىٰكُمۡ﴾

(الحجرات: ۱۳).

«بی‌گمان گرامی‌ترین شما در نزد خدا، متقی‌ترین شماست» و هیچ تعبیر دقیق، بلیغ و رساتری از این لفظ در نخواهیم یافت، هنگامیکه خداوندﻷ فرمود: ﴿بَعۡضُكُم مِّنۢ بَعۡضٖۖ﴾ (آل عمران: ۱۹۵). «همه از همدیگرید». یعنی: مردان شما در طاعت الله تعالی مانند زنان شما هستند، و زنان شما مانند مردان شما، زیرا هردو جنس، از نسل آدم و حوا بوده و هردو جنس مکلف می‌باشند.

همچنان خداوندﻷ فرموده: ﴿فَٱسۡتَجَابَ لَهُمۡ رَبُّهُمۡ أَنِّي لَآ أُضِيعُ عَمَلَ عَٰمِلٖ مِّنكُم مِّن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰۖ بَعۡضُكُم مِّنۢ بَعۡضٖۖ﴾ (آل عمران: ۱۹۵).

«آنگاه پروردگارشان دعای ایشان را پذیرفت و پاسخشان داد که من عمل هیچ کسی از شما را که به کار پرداخته باشد- خواه زن باشد یا مرد- ضایع نخواهم کرد، پاره‌ای از شما از پارهٔ دیگر هستید».

پس هر دو نوع زن و مرد در مفهوم و معنای انسانیت، و در عموم احکام و قوانین دین و میزان عدل الهی باهم برابراند.

و حکمتی را که خداوند آفریدگار ﻷ لازم دانسته اینست که، زن با مـرد در آفـرینش، هیئت و تکوین برابر نباشند، و همین اختلاف و تفـاوت‌هـای کـه در نهـاد هـردو جـنس گذاشته شده، سبب می‌گردد که فرق و تفاوت‌های در توان و نیروی جسمانی و عواطـف و خواسته‌ها و اراده‌های آنان نیز ظاهر گردد.

خداوندﻷ می‌فرماید: ﴿وَلَيۡسَ ٱلذَّكَرُ كَٱلۡأُنثَىٰ﴾ (آل عمران: ٣٦). «پسر مانند دختر نیست».

و در مورد زن می‌فرماید: ﴿أَوَمَن يُنَشَّؤُاْ فِي ٱلۡحِلۡيَةِ وَهُوَ فِي ٱلۡخِصَامِ غَيۡرُ مُبِينٖ ١٨﴾ (الزخرف: ١٨). «آیا کسی را که در زیور پرورده می‌شود و او در [جدل] ناتوان است [به خدا نسبت می‌دهند؟]».

تفاوت و اختلافی که هر کدام، زن و مرد برآن سرشت شده‌اند، سبب شده تا حکمت‌ها و احکامی در مورد طرفین ایجاد شود، این اختلاف که البته نظر به حکمتی که خداوند ﻷ دانا و آگاه آنرا بهتر می‌داند، تفاوت‌های را در بعضی از جوانب تشریعی، کار و وظیفه، که با تکوین و خصوصیت‌های دو جنس سازگار است، لازم گردانیده است. خداوندﻷ می‌فرماید:

﴿أَلَا لَهُ ٱلۡخَلۡقُ وَٱلۡأَمۡرُۗ تَبَارَكَ ٱللَّهُ رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٥٤﴾ (الأعراف:٥٤).

«آگاه باشید که تنها او می‌آفریند و تنها او فرمان مـی‌دهـد. بزرگـوار و دارای خیـرات فراوان، خداوندی است که پروردگار جهانیان است». پس ارادۀ آفرینش عالم هسـتی کـه خداوندﻷ آنرا مقدر گردانیده، با ارادۀ دینی و شرعی خداونـد ﻷ در اوامـر و احکـام و تشریعات، هر دو با هم در شأن زن و مرد یکجا شده تا مصالح عامـه، و آبـادی جهـان و تنظیم حیات فردی و اجتماعی بشریت تأمین گردد.

2- براین حقایق ثابت، احکام شرعی عام مرتب می‌شود تا این حقیقت را ثابت و استوار نگه دارد، مانند احکام متعلق به خانواده، چون خانواده در نظام اسلامی یگانه زیربنا و نهاد جامعه بشمار می‌رود، پس نظر به قوت و همبستگی خانواده، آسودگی، شایستگی،

امنیت و آرامش جامعه نیز تأمین می‌شود. نقش خانواده در اسلام بسیار مهم بوده و اهداف و مرام بزرگی همچو آرامش، رحمت و مهربانی و عطوفت میان افراد جامعه را محقق می‌سازد. خداوندﷻ می‌فرماید: ﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنۡ خَلَقَ لَكُم مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ أَزۡوَٰجٗا لِّتَسۡكُنُوٓاْ إِلَيۡهَا وَجَعَلَ بَيۡنَكُم مَّوَدَّةٗ وَرَحۡمَةً﴾ (الروم: ٢١).

«و یکی ازنشانه‌های- عظمت- خداوند این است که ازجنس خودتان همسرانی را برای شما آفرید تا در کنار آنان بیارامید و در میان شما و ایشان مهر و محبت انداخت». بویژه نقش زن در قوت و همبستگی خانواده مهم و بنیادی بوده و بروز هرگونه هرج و مرج و بی‌غوری زن در مورد خانواده، انعکاس بدی بر افراد خانواده دارد، پس جامعۀ سالم با تصمیم قاطع و دوراندیش، در برابر بی‌خردی و نادانی‌های جاهلیت عصرحاضر که از مقام زن کاسته و نقش وی را در خانواده نادیده گرفته و مسؤلیت‌های سنگین خانوادگی که بدوش دارد آنرا بی‌اهمیت جلوه می‌دهند، ایستادگی جدی نمایند چون زن مسلمان واقعا بخاطر مصالح خانواده و جامعه مسئولیت بس بزرگی را متحمل می‌شود.

در مقابل بر مرد لازم است رنج و مشقت کار و بر آورده ساختن نیازمندی‌های خانواده را که شریعت اسلام بر وی واجب گردانیده است متحمل شود. خداوندﷻ می‌فرماید:

﴿ٱلرِّجَالُ قَوَّٰمُونَ عَلَى ٱلنِّسَآءِ بِمَا فَضَّلَ ٱللَّهُ بَعۡضَهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖ وَبِمَآ أَنفَقُواْ مِنۡ أَمۡوَٰلِهِمۡ﴾ (النساء: ٣٤).

«مردان بر زنان سرپرستی دارند چرا که خداوند برخی از آنان (انسانها) را بر [برخی] دیگر برتری داده است و [نیز] به سبب آنکه [چیزی] از مالهایشان را بخشیده‌اند».

همچنان الله ﷻ می‌فرماید: ﴿وَلَهُنَّ مِثۡلُ ٱلَّذِي عَلَيۡهِنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِۚ وَلِلرِّجَالِ عَلَيۡهِنَّ دَرَجَةٞ﴾ (البقرة: ٢٢٨).

«و برای زنان است – بر عهدۀ مردان – همانند آنچه بر عهدۀ زنان است بطور پسندیده و- لیکن – مردان را برآنان (زنان) درجه‌ای برتری هست».

بزرگی و حاکم بودن مرد به این معنی است که، وی رهبری و قیادت جامعۀ کوچک یعنی خانواده را بدوش دارد که وی شرف آنرا حاصل نموده و نباید از توانمندی خود سوء استفاده نموده و راه ستم پیش گیرد.

قیادت مرد برخانواده به مصلحت زن و همه افراد خانواده است، زیرا مسئولیت نفقه و تهیه نمودن خوراک و پوشاک، حفظ و نگهداشت آنها همه و همه بر مرد واجب است، لذا باید از رئیس خانواده اطاعت درست صورت گیرد، البته اطاعت درکارهای نیک و شایسته، و نه اینکه فرمانبرداری مطلق. پیامبر ص می‌فرمایند: «همانا اطاعت در معروف است» (متفق علیه). یعنی اگر مردی خانواده اش را به معصیت و نافرمانی خداوند ﷻ امر نماید، پس در چنین حالت اطاعت وی بر اعضای خانواده لازم و واجب نیست.

3- مرد مکلف است نفقه زن را بدوش گیرد، زیرا نفقه حق مسلم زن، و نصیب فرض شدۀ وی در مال مرد است، که از وی در حالت قدرت و توان ساقط نمی‌گردد، خداوندﷻ می‌فرماید:

﴿لِيُنفِقۡ ذُو سَعَةٖ مِّن سَعَتِهِۦۖ وَمَن قُدِرَ عَلَيۡهِ رِزۡقُهُۥ فَلۡيُنفِقۡ مِمَّآ ءَاتَىٰهُ ٱللَّهُۚ لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِلَّا مَآ ءَاتَىٰهَاۚ سَيَجۡعَلُ ٱللَّهُ بَعۡدَ عُسۡرٖ يُسۡرٗا ٧﴾ (الطلاق: ۷).

«باید که خرج کند توانگر از توانگری خود، و آن کس که بر وی روزی اش تنگ شده است پس باید از آنچه که خداوند (ﷻ) به او بخشیده است خرج کند. خداوند (ﷻ) هیچ کس را جز به آنچکه به او بخشیده است مکلف نمی‌کند به زودی خدا (ﷻ) پس از تنگدستی آسایشی را پدید خواهد آورد».

و این نفقه حق ثابت و مسلم زن بوده ربطی به حقوق و اموال شخصی زن که در تصرف وی است ندارد، زیرا زن در اراده و آنچه که تحت تصرفش است آزادی و استقلالیت برابر با مردان دارد، و این حقیقتی است که شریعت پاک اسلام آنرا تعیین و مقرر نموده است. جاهلیت عصرحاضر که تا نیمۀ دوم قرن بیستم دوام کرد، زن را در گرد آوردن مال و مصرف نمودن آن، کم اهل و ناقص معرفی نموده- چنانکه در قوانین و

مقررات لاتینی وجود دارد- اما در نظام و مقررات اسلام، زن در این حوزه شخصیتی مستقلی مانند مرد شمرده شده و از اهلیت کامل برخوردار است، و تفاوتی در این عرصه میان زن و مرد گذاشته نشده است.

4- رابطه میان زن و مرد در جامعۀ اسلامی و داخل خانواده، بر اساس تکمیل کنندۀ یکدیگر در نقشهای مربوط به هردو جانب می‌باشد- یا می‌توان تکمیل کننده وظیفوی آنرا نامید- و از جمله اهداف و مقاصد این همبستگی تکمیلی میان زن و مرد اینست که، مرد آرامش و اطمینان خاطر، دوستی و محبت و رحمت را دراین رشته دریابد، چنانکه خداوند جل جلاله می‌فرماید:

﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنۡ خَلَقَ لَكُم مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ أَزۡوَٰجٗا لِّتَسۡكُنُوٓاْ إِلَيۡهَا وَجَعَلَ بَيۡنَكُم مَّوَدَّةٗ وَرَحۡمَةً﴾ (الروم: ۲۱).

«و از آیات- عظمت- او تعالی این است که از خودتان برایتان همسرانی آفریده تا بدانها آرام گیرید و درمیان شما مودت و رحمت نهاد».

لفظ سکون کلمه‌ای است که هیچ تعبیری رسا و بلیغی در زبان عربی مانند آن وجود ندارد، و شاید در زبانهای دیگر نیز همچو معانی که این کلمه در بر دارد، وجود نداشته باشد، کلمۀ سکون چند معنایی را در بر دارد مانند: امن، راحت، اطمینان، آرامش، انس و محبت که وجود همچو صفات تأثیر و انعکاس مثبت برخود همسران و فرزندان شان، و بلآخره بر همه افراد جامعه دارد. پس هنگامیکه فرق و تفاوت در صفات بدنی و نیروی جسمانی و روانی هر دو جنس وجود داشته باشد، بدیهی است که در وظایف زندگی اجتماعی نیز تفاوتهای ایجاد خواهدشد، از این‌رو متمم بودن دو جنس در وظایف و مسئولیتها و حقوق، ثمره و حاصل عدل و انصافی است که آیین اسلام همچو روابط و علایق را استوار و پایدار نگهداشته است.

بنابراین شریعت اسلامی حوزه کار و عمل مرد و نوعیت آنرا در زندگی اجتماعی مقرر و تعین نموده است، چنانکه میدان کار و عمل اساسی زن و نوعیت آنرا نیز نشانه گزاری و محدد ساخته است. این مقررات و محدودسازی‌های وظایف زن و مرد را عقل

سلیم و سرشت و فطرت راست و مستقیم پذیرفته و می‌پذیرد، بلکه با آن سازگار و هم آهنگ می‌شود، و سرانجام موجب تکامل، توازن، امن و آرامش اجتماع شده بدون اینکه یک جهت سنگینی مسئولیت را بیشتر از حد و توان جسمی اش، و آنچه که رسم و عادات برآن معمول است، بردارد.

لذا تحمیل نمودن وظایف و مسئولیت‌های مرد بر زن، بدون نیاز شخصی زن و یا جامعه، ظلم و جور محسوب می‌شود، زیرا اینکار نه تنها تجاوز بر عدل و دادی که در مورد حقوق و واجبات آنها تعیین و مقررشده می‌باشد، بلکه تعرض و بی‌احترامی بر کرامت و حقوق زن تلقی می‌شود.

5- حالا که محدودهٔ وظیفهٔ زن در زندگی اجتماعی مشخص شد، سخن حتما متوجه تعلیم زن می‌شود، از این‌رو ما تأکید برآن داریم که تعلیم زن در اموریکه بنده جز بوسیله آن پروردگارش را پرستش نمی‌تواند، مانند فرایض مربوط به ایمان و یا فرایض عبادات و غیره واجب شرعی است که زن و مرد دراین مورد با هم برابر و مشترک اند، پیامبر اکرم ص می‌فرمایند:

«آموختن علم و دانش بر هرمسلمانی واجب است» (روایت ابن ماجه).

پس تحصیل و آموختن علوم و معارف، نظر به وظیفه و مسؤلیت هریکی (زن و مرد) بر آنها لازمی و واجب می‌گردد، اما آموختن علوم و معارف بیشتر از آنچه ذکرشد، از جمله امور مستحبی است که نباید بر دیگر واجبات ضروری متعلق به امور دنیوی و اخروی تنگی و فشار آورد.

6- شریعت اسلامی که حمایت‌کنندهٔ سرشت انسانی بوده و بر عدل استوار است، حامی و نگهبان حقوق زن در جامعه می‌باشد، و نسبت به قوانین و مقررات تصویب شده از جانب سازمان ملل متحد مربوط به حقوق انسان، اهمیت فراوانی به حقوق زن قایل است. در حالیکه جاهلیت عصر حاضر این حقوق را نادیده گرفته و اگر بی‌حرمتی و تجاوزی بر آن صورت گیرد، توجه و التفاتی به آن نمی‌کند.

بطور مثال: حق زن در ازدواج مطابق احکام و قوانین شریعت اسلامی، و حـق وی در مادر بودن، و حق وی در مورد اینکه خانهٔ داشته و مسؤلیت آنرا بـدوش گرفتـه بتوانـد و مانند زمامدار کشوری کوچکی سرپرستی امور به او تعلق بگیرد، و موقع و فرصت کامـل بوی داده شود تا وظایفی که موافق با سرستش است آنرا بصورت درست اجرا نماید.

لذا هر جامعه و هرگونه قانونی که مانع ازدواج زن گردد، و مجال و سـاحه را بـر وی تنگ نماید، در حقیقت حقوقش را پایمال نمـوده و ظلمـی بزرگـی را بـر وی روا داشـته است.

زن در شریعت اسلامی حق دارد تا همسر و همسفر زنـدگی خـویش را در محـدودهٔ فرمودهٔ پیامبر ص برگزیند، چنانکه آنحضرتص فرموده‌اند: «هرگاه کسی از دختـر شـما خواستگاری نماید و شما از اخلاق و دین پسر راضی باشید، پس وی را نامزدش سازید» (روایت ابن ماجه).

زن می‌تواند- در حالت عدم پایداری زندگی زنا شوهری- از ادامهٔ زنـدگی بـا شـوهر کنار رفته، و عقد را فسخ نماید، و در این مسأله دلایل و نصوص صحیحی وارد است که آنرا تأیید می‌کند، پس لازم است در هنگام اختلاف و یا اجتهاد در احکام، به آن مراجعـه شود.

7- نگهداری عفت و آبرو یک اصل شرعی عام بوده و شامل مقاصد شرعی می‌باشـد، مقاصد شرعی عبارتند از: حفظ دین، نفس، آبرو، عقل، و مـال کـه علمـاء بـر حرمـت و حیثیت آن اتفاق نظر داشته اند و تمامی احکام و مقـررات شـرعی بـر مبنـای آن اتخـاذ می‌گردد، پس هرگونه عیب‌جویی در آن مردود شمرده شده و در حقیقت تخطی و تجاوز بر شریعت اسلامی و اهداف والای آن، و جامعهٔ اسلامی محسوب می‌شود. و هرگاه غرب در مسئلهٔ مربوط به حقوق زن در اسلام انگشت انتقاد را متوجه سازد، در حقیقت از خط قرمز عبور کرده و این حق مسـلم زن مسـلمان را پایمـال کـرده انـد، و در مجمـوع ایـن عملکرد آنها تعرض به شریعت و مجتمع اسلامی شمرده می‌شود، و اگر جلو آنان گرفتـه

نشود سبب نشر و شیوع فواحش و رذائل همانطوریکه در میان خود شان بوقوع پیوسته، خدا نا خواسته در میان مسلمانان نیز سرایت می‌کند.

خداوند ﷻ می‌فرماید:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُحِبُّونَ أَن تَشِيعَ ٱلۡفَٰحِشَةُ فِي ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ وَأَنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ١٩﴾ (النور: ۱۹).

«به راستی کسانی که دوست دارند، فاحشه در میان کسانی که ایمان آورده اند، شایع شود برایشان عذابی دردناک در دنیا و آخرت است، و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید».

لذا قانون‌گذار حکیم و دانا ﷻ احکامی را بخاطر حفظ و حمایت این مبدأ وضع نموده، از جمله ازدواج میان مرد با زن را قانون گذاشته، و این رشتۀ زنا شوهری را پیمان قوی نامیده است، چنانکه الله ﷻ می‌فرماید: ﴿وَأَخَذۡنَ مِنكُم مِّيثَٰقًا غَلِيظٗا ٢١﴾ (النساء: ۲۱). «زنان پیمان محکمی [هنگام ازدواج] از شما گرفته اند». و بخاطر مصئون بودن این مبدأ از بی‌حرمتی و تجاوز، قوانین و مقرراتی وقایویی را وضع نموده که بالای مرد و زن یکسان تطبیق می‌شود و باید جدی آنرا مدنظر بگیرند. و راههای منتهی به اعمال زشت و ناهنجار را کاملا مسدود کرده است. بطور مثال اختلاط زنان با مردان نامحرم و یا خلوت با نا محرمان، خصوصاً سخن گفتن زن با مرد نامحرم به نرمی و ملایمت، چنانکه زنان فتنه‌گر همچو اعمالی را انجام می‌دهند، و غیره اموریکه عواقب زشت و خلاف اخلاق و تربیه اسلامی دارد، ممنوع قرار داده و آنرا ناروا شمرده و مرتکبین آنرا موجب عذاب گردانیده است.

همچنان شریعت اسلامی در مورد شیوع و انتشار فواحش در مجتمع اسلامی، بر کسانی که خواهان و آرزومند همچو اعمال زشت هستند، نیز با تندی و شدت رفتار نموده است. به همین منظور احکام مربوط به حجاب و عدم نگریستن بسوی نامحرم را دستور داده و بر تجاوزکاران این مبدأ، عقوبت‌های مانند حد زنا، و حد قذف (تهمت)، و

تعزیرهای مختلفی را بخاطر حفاظت و حراست آبرو، و محترم شمردن پاکی و عفت افراد جامعه وضع نموده است.

خداوندﷻ زنا را بر هردو جنس –زن و مرد– حرام قرار داده و آنرا از امور زشت و قبیح پنداشته است، خداوندﷻ می‌فرماید:

﴿وَلَا تَقۡرَبُواْ ٱلزِّنَىٰٓۖ إِنَّهُۥ كَانَ فَٰحِشَةٗ وَسَآءَ سَبِيلٗا ٣٢﴾ (الإسراء: ٣٢).

«و به زنا نزدیک نشوید که زنا گناه بسیار زشت و بدترین راه و شیوه است»

8- حجاب سنگر و قلعهٔ مستحکمی است که از عفت و آبروی زن حفاظت نموده و مانع پخش فواحش و رذالت می‌گردد، چنانکه حجاب مظهر و نمای افتخار به آداب شرعی بوده، پاکی و عفت مرد، زن و جامعه را وارسی و تحقق می‌بخشد. حجاب زن مستحب نبوده و تنها رمز و نشان، مربوط بوی نیست که هرگاهی بخواهد پیکرش را با آن بآراید، و هر وقتیکه خواسته باشد آنرا ترک نماید، بلکه حجاب واجب دینی است که خداوند تعالیﷻ آنرا بر زنان لازم گردانیده، تا از هرگونه زشتی مصئون بمانند، و عفت و پاکی خویش را همچو مادران مؤمنان– همسران پیامبر بزرگ اسلام ص – اعلان نمایند، تا شهوت رانان به آنان طمع نورزند، چنانکه خداوندﷻ می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّأَزۡوَٰجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَآءِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ يُدۡنِينَ عَلَيۡهِنَّ مِن جَلَٰبِيبِهِنَّۚ ذَٰلِكَ أَدۡنَىٰٓ أَن يُعۡرَفۡنَ فَلَا يُؤۡذَيۡنَۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ٥٩﴾ (الأحزاب: ٥٩).

«ای پیغمبر! به همسران و دختران خود و به زنان مؤمنان بگو که: روپوش‌های خود را جمع و جور بر خویش فرو افگنند. تا این که– از زنان بی‌بندو بار– دست کم باز شناخته شوند، [و در نتیجه] مورد اذیت و آزار (اوباش‌ها) قرار نگیرند، خداوند آمرزنده و مهربان بوده و هست».

دشمنان اسلام توطئه و جنگ علیه حجاب را بصورت آشکار آغاز نموده و در این مبارزه شهوت پرستان مسلمان‌نما و مردمان فساد پیشه، همگام با آنان علیه مقدسات دینی برخاسته اند، و شاید هم گاهی مفکوره و نظریهٔ پلید خویش را راجع به حجاب پنهان

نموده و در ظاهر آنرا بپذیرند، لیکن با مسخ نمودن حقیقت حجاب و دگرگون ساختن و جهت دادن آن بسوی فرهنگ و عنعنهٔ قلابی، که پـذیرش هرگونـه تکامـل و اختصـار را دارد، اهداف شوم خویش را پیاده نموده، غایت و مرام آنـرا کـاملا ریشـه کـن و ازمیـان می‌بردارند. و هرگاه اهمیت و ارزش حجاب و بهای مربوط به آن را درک نماییم، شک و شبهه ای را که دشمنان ایجاد کرده اند همـه زائـل شـده بـه دساسـیس آنهـا اطـلاع پیـدا می‌توانیم، و برای ما آشکار می‌شود که غرب شب و روز در توطئه چینـی و جنـگ علیـه حجاب بوده و عداوت قدیمی که با دین اسلام دارند می‌خواهند انتقام را تا جایی از ایـن راه و بدین وسیله از مسلمانان بگیرند. امروز غرب در مقابل حجـاب از خـود حساسـیت نشان داده و زنان پابند به حجاب را زیر فشار قرار می‌دهد زیرا بر آنان سنگینی می‌کند که زن مسلمان مستور و با عفت، و زنان خود را مثل حیوان دریابند، حال آنکه هـیچ لباسـی مربوط به طایفه‌های دینی دیگر، یا سایر نژادهای بشری مورد فشار قرار نمی‌گیرد طوریکه زنان با حجاب مسلمان زیر فشاراند! البته شواهد و اسناد بسـیاری وجـود دارد کـه زنـان باحجاب در کشورهای غربی که ادعای دفاع و حمایت از حقوق شخصی را دارنـد، و یـا در بعضی از کشورهای اسلامی و عربی که قوانین آنها مبتنی برسیکولرزم اسـت، چگونـه تحت فشار و مزاحمت‌های قانونی و عملی گوناگونی قرار دارنـد، و کسـانی کـه اوضـاع جهان را تعقیب و پیگیری می‌نمایند، دراین مورد بهترآگاهی دارند.

9- پس زمانیکه حجاب قانونی استوار و متین، و فریضهٔ ثابت و مسلم بخاطر حفظ کرامت زن و مجتمع اسلامی است، بخاطر نگهداشت مبدأ عفت، قانونی دیگری نیز مربوط به آن وضع گردیده و آنرا تقویت بیشتر بخشیده است که عبارت است از مباح بودن تعدد یا چندزنی مرد، که متأسفانه بوسیلهٔ رسانه‌های اطلاعاتی دشمن، و از لابلای عملکردهای نادرست بعضی‌ها، صورت حقیقی آن را زشت جلوه داده‌اند. با وجود آنکه واقعیت عملی این قانون- حتی در جوامع غیر اسلامی نیز در بلند بردن مقام و منزلت و ارزش زن کمک به سزایی نموده است. بخاطر توضیح بیشتر در این مسأله می‌توان مقایسه کرد میان جوامعی که قانون تعدد در آن حکمفرماست که چگونه زن از منزلت و قیمت

بزرگی برخوردار شده است، و در مقابل جوامعی که زن را از این حق محروم گردانیده اند، چگونه کم ارزش و مسلوب الاراده شده و حق شخصی ایشان تلف شده است. پس تعدد- چندزنی- قانونیست ثابت و استوار، مشروط براینکه میان همسران عدالت صورت گیرد، تا عزت و کرامت زن تحقق یافته و ازدواج وی به شکل آسان، و باکرامت و عفت صورت گیرد، و زندگی مرفه و سعادتمند نصیبش گردد. البته صرف نظر ازحالاتی که در آینده شاید واقع شود مانند بیوه‌گی، طلاق و بزرگسالی که آنهم مسائلی علیحده است، اما در مقابل حالات اجتماعی زیادی است که راه حل آن جز با تعدد یاچند زنی امکان پذیر نیست، مانند عقیم بودن زن، یا مریضی، و یا طبیعت و چگونگی کار و پیشهٔ وی، و یا وضیعت قانونی مانند تابعیت وی، و حالات دیگری که در همه حالات فوق بدیلی برای تعدد، جز طلاق وجود ندارد، یعنی باید همسر را طلاق نماید تا بتواند با دوشیزهٔ دیگری ازدواج کند و طبیعی است همسر طلاق شده در وضع بحرانی قرار گرفته و شاید هم بی‌سرنوشت شده و باردوش جامعه گردد، اما اگر در موجودیت همسر اولی با زنی دیگری ازدواج کند، و عدالت را میان آنان برقرار سازد، همه خانواده سعادتمند خواهند شد. ولی در مجتمعاتی که تعدد زوجات ممنوع است در حالات فوق الذکر (عقیم بودن، مریضی دوامدار..) همسر مجبور می‌شود به طلاق متوسل شود تا بتواند با دیگری ازدواج کند که این اقدام از یکسو ظلمی است که بر زن واقع می‌شود و از سوی دیگر به شوهر هم صدمه روحی وارد می‌گردد، درحالیکه هردو راحت و سکون و آرامش برای یکدیگر بوده اند، علاوه بر این چندزنی در بسیاری از احیان سبب حفظ کرامت کودکان می‌گردد، بویژه یتیمان و آنعده کودکانیکه پدران خود را از دست داده و از مهر و محبت پدر محروم گردیده، آوارگی و یا داخل شدن به دارالأیتام‌ها سرنوشت آیندهٔ آنان را مجهول ساخته است پدر بدیل و مناسب‌ترین حل برای همچو حالات خواهد بود، خداوندﻷ می‌فرماید: ﴿وَإِنۡ خِفۡتُمۡ أَلَّا تُقۡسِطُواْ فِي ٱلۡيَتَٰمَىٰ فَٱنكِحُواْ مَا طَابَ لَكُم مِّنَ ٱلنِّسَآءِ مَثۡنَىٰ

وَثُلَٰثَ وَرُبَٰعَۖ فَإِنۡ خِفۡتُمۡ أَلَّا تَعۡدِلُواْ فَوَٰحِدَةً أَوۡ مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُكُمۡۚ ذَٰلِكَ أَدۡنَىٰٓ أَلَّا تَعُولُواْ ﴿٣﴾ (النساء: ٣).

«و اگر ترسیدید که در بارۀ یتیمان نتوانید عدالت و دادگری کنید، پس با زنان دیگری که- برای شما حلالند ـ و دوست دارید، با دو یا سه یا چهارتا ازدواج کنید، اگر می‌ترسید که نتوانید میان زنان عدالت را مراعت کنید، به یک زن اکتفا کنید یا با کنیزان خود ازدواج نماید، این نزدیکتر به آن است که ستم نکنید».

پس اسلام یگانه مرجعی است که به مصالح همه اعم از مردان و زنان رسیدگی نموده و اهداف و مقاصد ازدواج برای طرفین را محقق می‌سازد، و هرگونه نیازمندی‌های روانی و اجتماعی آنان، اعم از عفت، آرامش فرزند را متوفر می‌سازد، هرچند اگر گاهی به رغبت‌های بی‌موقع و یا مصلحت‌های محدود و باریک متعلق به زن شوهردار – بیوه – تعارضی هم ایجاد گردد.

## بینش و نمای این منشور

1- دین اسلام بعد از آنکه مساوات میان مرد و زن را در دائره انسانیت و کرامت بشری، و حقوقی که ارتباط مستقیم به سرشت و طبیعت مشترک بشری می‌گیرد، تضمین نموده مساوی بودن آنها را هم در عموم قوانین و مقررات دینی تأیید نموده و پذیرفته است، و در عین حال میان آنها در بعضی از حقوق و وظایف فرق می‌گذارد، البته این تفاوت و فرق‌گذاری نظر به اختلافات فطری که بطور قطعی و محقق میان زن و مرد موجود است در نظر گرفته شده است، زیرا در وظایف، اهداف و سرشت هردو جنس که بر آن آفریده شده‌اند، اختلافات و تفاوت‌های وجود دارد که باید هر کدام (مرد و زن) وظیفهٔ بنیادی خویش را براساس آن با شکل درست انجام دهند، از اینجاست که فریاد و غوغاهایی از جانب کنفرانس‌های ویژه‌یی زن، و کارگردانان و پیش آهنگان آنان برپا شده، و نهضتهای جهانی منسوب به زن، و دنباله روان و ترویج دهندگان این اندیشهٔ ناپاک، در کشورهای اسلامی نیز صداهایی را بنام مساوات و برابری میان مرد و زن بلند نموده اند. آری: مساوات از نگاه انسانیت و خواسته‌های آن امر طبیعی و تقاضای عادلی است، زیرا زن و مرد دو جهت جدا ناشدنی نسل بشر بوده، و اسلام نیز بر آن اعتقاد و اعتراف دارد، و هیچ‌گونه پوشیدگی در این امر وجود ندارد. اما مساوات و برابری در وظایف زندگی و روشهای آن چگونه قابل تنفیذ و اجرا خواهد بود؟ آیا این کنفرانسها و نهضتهای مربوط به زن، و وابستگان و هواخواهان این اندیشه، توان آن را دارند تا با همچو کنفرانس‌ها و گردهم آیی‌های شان سرشت و طبایع اشیاء را دگرگون سازند؟ و یا می‌توانند فطرت بشری زن را تغیر دهند؟! امتیاز بزرگی که اسلام بر سایر مکتب‌های فکری دارد اینست که آیین و نظام آن واقعی بوده و در مورد زن و مرد بصورت واقع‌بینانه و با درک نمودن فطرت بشری هردو جنس، حکم و فرمان صادر نموده است، و زمانی که مساوات میان زن و مرد منطقی و موافق با فطرت و سرشت شان باشد، مساوات را می‌پذیرد، و هرگاهی تفاوت و فرق گذاشتن میان آنان منطقی و موافق با فطرت شان باشد. تفاوت را معتبر و

معقول می‌داند. خداوندﷻ می‌فرماید: ﴿أَلَا يَعۡلَمُ مَنۡ خَلَقَ وَهُوَ ٱللَّطِيفُ ٱلۡخَبِيرُ ١٤﴾ (الملک: ١٤). «آیا کسی که آفریده است نمی‌داند؟ با این که او خود لطیف و خبیراست».

بدون تردید هر اندیشه و نهضتی که مخالف با روشهای اجتماعی و سرشت بشری پایه گذاری گردد، سر نوشت آن به ناکامی حتمی و تباهی می‌انجامد، و این یگانه سبب ناکامی نهضت و حرکاتی که خواهان آزادی و رهایی زن اند – حتی در کشورهای غربی– و آرزومند محقق شدن آن اند، می‌باشد، لذا بر جوامع مسلمانان لازم است با عقل و حکمت، از سرنوشت بد و ناهنجاری که جوامع غربی دچارآنند، درس عبرت گرفته و به حقایق مسلم برگردند، و به عدل و انصاف فرامین و دساتیر والا و صایب دین اسلام در مورد زن پی ببرند و گردن تسلیمی را خم نمایند.

2- شریعت اسلامی فرق گذاری ظالمانه‌ای که حقوق زن را پایمال نموده و به کرامت وی خدشه وارد می‌نماید حرام قرار داده است. در نظام و قوانین و احکام اسلامی هیچگونه غفلت و بی‌غوری در عدالت میان زن و مرد و یا تفوق و طرفداری مرد بر زن وجود ندارد. و نظریات برخی از مردمان شکست خورده، و یا جاهلان و بی‌خردانی که از شریعت مطهر اسلامی، و از حکمت این تفاوتها و فروق فطری میان زن و مرد آگاهی نداشته و آنرا درک نتوانسته اند، مورد اعتبار نیست، همچنان کسانیکه از اختلاف در احکام شرعی متعلق به زن، و وظایف و حقوق مسلمی که نظر به سرشت و خلقت آنان وضع شده است آگاه نیستند، نظریات آنها نیز مدار اعتبار نبوده و نیست، و هرگونه دعوایی که مغایر با آنچه باشد که برای زن در شریعت اسلامی محدد و تعیین شده باشد- هر چند این دعوا از جانب دشمن مغرض و یا دوست جاهل- دامن زده شود، همه و همه بر تصورهای خیالی، و یا عدم آگاهی آنان، و یا بر دلایلی باطل بنا نهاده شده است، و مردود شمرده می‌شود. چنانکه گفته شده- بطور مثال- برای زن در مسألۀ میراث، برای مرد دو برابر زن حصه داده می‌شود یعنی در حالاتیکه زن در قرابت با مرد قرار داشته می‌باشد نصف حصه به او می‌رسد نه کامل، پس این نمونه‌ای از تهجر و فرق گذاریی

است که بر زن وضع شده است. در جواب می‌گوییم: این برداشت، از مفهوم مساوات و برابری زن و مرد که اسلام برای شان عنایت فرموده، دور از مفهوم عدلی است که اسلام بر اساس آن روابط انسانی را پایه گذاری نموده است، باید متوجه شوند که حقوق نظر به وظایف و مسئولیت‌ها تعین و مقرر گردد. پس زمانیکه اسلام نفقهٔ زن و پرداخت مهر و دیت و تاوان و نحو آن را بر مرد ملزم گردانیده، از روی عدل و انصاف شریعت در مسألهٔ میراث حق مرد را مراعات نموده است، پس هرکسی جامع بودن احکام شریعت اسلام را نادیده بگیرد، در همچو لغزش و اشتباه می‌افتد. همچنان گفته شده – شمردن شهادت دو زن در مقابل یک مرد (شهادت دادن دو زن برابر است به شهادت دادن یک مرد) که این نمای از فرق گذاری میان مرد و زن است. در جواب می‌گویم: این ادعا دلیل بر بی‌خبری و عدم آگاهی از طبیعت و سرشت زن است که خداوندﷻ با حکمتی بزرگی با همچو صفاتی وی را آفریده است و از طبیعت و سرشت زن آنست که شاید در درک حقایق امور، فراموشی و نارسایی صورت گیرد، پس بخاطر حفظ و حمایت حقوق، وجود زنی دیگری در گواهی دادن با وی لازم و ضروریست، خداوندﷻ می‌فرماید: ﴿أَن تَضِلَّ إِحۡدَىٰهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحۡدَىٰهُمَا ٱلۡأُخۡرَىٰ﴾ (البقرة: ٢٨٢).

«اگر یکی از آنها فراموش کرد، آن دیگری به یادش آورد». و این را هم باید دانست که گواهی یک زن در مسایل مربوط به خود آنان، مانند رضاعت (مکیدن کودک از غیر مادرش) و اثبات بکارت دختران (دختر شوهر نکرده) و عیوب و علت‌های داخلی و مستور زن و غیره..... قابل اعتبار است.

و مثال دیگری که شاید گمان و تصور آن در بعضی اذهان ایجاد گردد که گویا میان زن و مرد در مسألهٔ دیت تفاوت گذاشته است، یعنی دیت زن (خون‌بها یا تاوان) نیم دیت مرد است، در جواب می‌گویم: این تصور نادرست زمانی دفع می‌گردد که دانسته شود بهره و سود دیت را خود مرده – مرد باشد یا زن – نه، بلکه ورثهٔ آنان حاصل می‌نماید و ضرر مادیی که با از دست دادن سرپرست و مسئول نفقه، بر ورثه وارد می‌گردد – که غالبا مرد می‌باشد – هیچگاهی ضرر آن برابر با مردن شخصی دیگری نیست که نه

سرپرست و نه مسئول نفقه آنان. و اما در بقیه قوانین تلافی و تاوان، بـه شـخص متضـرر برابر با ضرر وی تعویض داده می‌شود.

این سخن زمانی تحقق می‌یابد و برجا خواهد بود که صاحب حق در گرفتن تـاوان و غرامت جزوی، خود شخص مصیبت رسیده باشد – زن باشد یا مرد – به عبـارت دیگـر، دیتی که در بدل از بین رفتن عضوی از اعضای شخص، و زنده ماندن خـودش پرداختـه می‌شود، در همچو حالت حکم پرداخت دیت میان زن و مرد مسـاوی بـوده و مقـدار آن نظر به اجتهاد فقها تعیین می‌گردد.

پس امیدواریم مثال‌های بالا حکمت‌های را که در وجود تفاوت و فرق‌گذاری میان زن و مرد است آشکار ساخته باشد – و این خود برجسته‌ترین جواب و مثـالی بـرای آنعـده مردمانی باشد که گفته اند: این نمای فرق‌گذاریی است که علیه زن وضـع شـده اسـت – چنانکه همچو مثالها بیانگر عدل مطلق در تفاوت‌گذاری بعضی از احکـام و قـوانین میـان مرد و زن را ظاهر ساخته، و موافق و مناسب بودن آنرا با خلقت دقیق این‌دو جـنس بیـان نموده، و هم‌آهنگی آنرا با اصول و قواعد شرعی ثابت می‌سازد.

1- زن با داشتن جسد، فکر، عاطفه و وجدان خاصی که بر آن آفریـده شـده اسـت، آماده بر اجرای وظایفی اساسی معینی می‌باشد که عبارت از مادر شدن وی اسـت، و اگـر این وظیفه را انجام ندهد، در حقیقت طاقت و نشاطی که بمنظور هـدف معینـی آمـاده و مهیا شده، بی‌هوده از دست خواهد رفت، و وی را از راه اصیلی کـه بـرآن سرشـت شـده منحرف می‌سازد، آری! اگر ضرورت یا نیازی شخصی یـا اجتمـاعی بـرای کـارکردن زن خارج از منزل رونما گردید، اعتراضی وجود ندارد، اما وادار کردن زن بدون ضـرورتی، و تنها بخاطر شهوترانی احمقانه‌ای که برخی از مردمان این عصر به سبب اوضاع تاریخی و فرهنگی به آن مبتلا گردیده، و یا اینکه می‌خواهند بیش از حد از همچو وضع لذت بـرده و بهره‌مند گردند، پس منتظر طوفانی برباد کنندهٔ باشند. این امریسـت کـه هرگـز از آیـین اسلام انتظار قبول آن نمی‌رود، و اگر روزی اسلام همچو مسایل بیهوده را بپـذیرد بـدون تردید از مزیت بزرگ خویش دست کشیده است، و این مزیت و برتری همانا حمایـت و

پشتیبانی از دوجنس بشری – مرد و زن – بوده که تکمیل کنندۀ یکدیگر اند، و بطور کلی، بشریت عبارت از وجود و هستی و نژاد و نسل و توده‌های وابسته بهم اند.

زن نمی‌تواند در عین زمان مادر، و نوکر کسی دیگر باشد، و دو وظیفه را با تمام خواسته‌ها و مطالب آن انجام دهد، اما در مورد ادعای بی‌موردی که گفته اند: پرورش دهندگان و تربیت کنندگان کودکان (خدمه) این مشکل را حل می‌نمایند، سخنیست بیهوده که عملی نمودن آن کار ساده نبوده و هنگام آزمون آنرا ثابت کرده نمی‌توانند، چنانکه انجام دو وظیفه برای زن مانع برآورده شدن مفهوم فرموده خداوند تعالی: ﴿لِيَسۡكُنَ إِلَيۡهَا﴾ (الأعراف: ۱۸۹). «تا بدان آرام گیرد» که از بزرگترین اهداف ازدواج و زنا شوهری و ایجاد خانواده می‌باشد، می‌گردد. پس در تولیدات مادی برای بشریت چه سودی خواهد بود- اگر امکان پذیر باشد- در حالیکه از جانب دیگر، حاصل و فرآورد بشری را در تلف و هلاکت مواجه می‌سازد؟! اسلام دینی است که سرشت بشری و نیازمندی‌های جامعه را همزمان باهم رعایت نموده و زن را به مسئولیت بنیادی و بزرگی که بدوش دارد متوجه می‌سازد، این مسئولیت نه تنها وظیفۀ اساسی او، بلکه عبادتی است که بخاطر آن آفریده شده، و بخاطر انجام این وظیفه بزرگ خداوند آنان را از برجستگی و هوش فوق العاده‌ای برخوردار نموده است. به همین منظور مرد را بخاطر آماده نمودن نیازمندی‌های منزل متکفل ساخته است که هرگز از انجام آن رهایی و خلاصی ندارد این بر آن است تا زن بتواند با فکر آرام و بدون هیچ‌گونه پریشانی و نگرانی در پیشبرد امور منزل فارغ البال گردیده و با تمامی قوت و طاقت، متوجه رعایت تولید انسانی گرانبها شده، و خانۀ دلخواهش را برای فرزندان و همسر مهیا و آماده نماید. همچنان اسلام به همه امور زن رسیدگی نموده وی را از رعایت و احترام تام برخوردار ساخته است و مرد را در این راستا به تعامل نیک ترغیب و تشویق نموده است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِ﴾ (النساء: ۱۹). «و با زنان به وجه پسندیده زندگانی کنید». و پیامبر ص فرموده‌اند: (بهترین شما کسی است که با خانوادۀ خود رویۀ نیک دارد) (روایت

ترمذی). و همچنان فرموده‌اند: (خواهان رفتار نیک با زنان شوید) (روایت مسلم). چنانکه فرزندان را نیز به احترام و توقیر مادر ترغیب نموده، آنحضرت ص در جواب مردی که پرسید: چه کسی مستحق‌تر به صحبت من است. فرمودند: مادرت) (روایت مسلم).

٤- دین اسلام مرد و زن مسلمان را برکار و عمل تشویق و ترغیب نموده است، البته با مفهوم شرعی آن نه بر اساس مفهوم نادرستی که از بیرون بر مسلمانان وارد شده است، مرد مکلف به برآورده ساختن احتیاجات و ضروریات خانواده و بنای جامعه است، و زن نیز به نوبت خود به امور منزل و ساختن زیربنای جامعه که عبارت از خانواده است مکلف می‌باشد. چون موضوع مهم است می‌خواهیم در مورد برداشت نادرستی که در موردکار و وظیفهٔ زن و بیرون رفتن وی از خانه، میان بسیاری از مردم شایع گردیده، توضیحی دهیم، زیرا زن را مشخص به وظایفی گردانیده اند که در اصطلاح فقها بنام (مزدور خصوصی)، یا (گیرندهٔ مزد در بدل کار) یا، (کارهای که زن آنرا زیر دست مردی، مانند مزدروی، در مقابل مزدی انجام می‌دهد، که تنها رابطهٔ مادی آنان را با هم یکجا نموده است) و وظایفی را که زن در خانه انجام می‌دهد مانند: تربیهٔ فرزندان و یا فرمانبرداری و آراسته ساختن برای شوهر، و رسیده‌گی و رعایت والدین و غیره را کار و وظیفه نمی‌شمارند، چنانکه غالبا زن بی‌وظیفه را عقب افتاده و نابکاره شمرده، و نشستن وی را در منزل عیب دانسته اند. و اشتراک نکردن وی در وظایف و کارهای بازاری را، بیکار و تعطیل شدن نیم افراد جامعه تلقی نموده اند، که این نظریه‌ای نادرست در اذهان بسیاری از مردم – چه عامه و یا روشنفکران – بجز برخی از مردمی که خداوندﷻ بر آنها رحم نموده، تأثیر گذاشته است، تا جایی که هوش و فکر، و انتخاب دلخواه زنان امروزی این شده که باید بخاطر کار و وظیفه از منزل بیرون روند، و إلا نشستن آنها در منزل بی‌کاری محسوب می‌شود!

لیکن رأی درست اینست که یکی از این دو راه را انتخاب نماید، اینکه مزدور و اجیر در نزد دیگران باشند، و یا اینکه وظیفهٔ اساسی و حقیقی خویش را در منزل بطور آزاد و مستقل انجام دهند.

خللی که در این نظریه وجود دارد اینست که زن را ملزم و ناگزیرمی‌سازد تا بر نفس خود و خانواده و جامعه فشار آورده، و وظیفهٔ آزاد در منزل را به مزدوری دیگران در خارج منزل انتقال دهد، که این عمل در ذات خود، وی را وادار به ظلم در حق خودش، و تقصیر در حق همسر و فرزندان، و در تنگنا قرار دادن مردان در ایجاد وظیفهٔ مناسب می‌باشد. چنانکه این نظریه سبب افزایش بی‌کاری در جامعه، و بروز نتایج منفی بزرگی، مانند نا امنی، ضعف اقتصاد ملی، ازدیاد مشکلات اخلاقی، و کاهش فرصت ازدواج، و افزایش زنان بی‌شوهر و سالخورده می‌شود، که این تحول بنیادی در وظیفهٔ زن جز هدف فریبنده و خیالی و آفت را محقق نمی‌سازد، قابل یادآوریست که تحقیقات و پژوهش‌های اقتصادی که در یکی از گزارش‌های مفصلی سازمان ملل متحد در اوایل دهه هشتاد میلادی صورت گرفت – که تاحال رد و تکذیب هم نشده – این بود که بیرون رفتن زن از منزل بخاطر وظیفه و کار اجیرانه، ٤٠ ٪ هزینه ملی کشور خود را برداشت می‌نمایند، که این امر مخالف با تبلیغات و رونق نمایی‌های است که در راه بیرون آمدن زن از خانه بخاطر اجیرکاری جریان دارد، گویا که اقتصاد ملی و محصولات محلی را کمک و رشد می‌دهد! چنانکه همین گزارش در مادهٔ دیگری می‌افزاید: (اگر زنان جهان در مقابل سرپرستی خانواده و برپا داشتن کارهای منزل، مزدی بدست آورند، به اندازهٔ نصف هزینهٔ ملی هرکشوری خواهد رسید).

هرگاه زن بر این گمان بوده و اصرار ورزد که وی باید اجیرکار و مزدور دیگران باشد، پس کارهای شایسته و موافق با طبیعت وی امریست که نیازمندی‌های اجتماعی حقیقی، نه خیالی، به آن ضرورت داشته و گاهی هم نیازمندی‌های شخصی نیز وی را به آن وا می‌دارد، البته همچو حالات از نظر شریعت جایز بوده، ما دامیکه مطابق و موازی با ضوابط و مقررات شرعی، و بدون وسعت دادن دامنهٔ آن صورت گیرد.

پس وجود نیازمندی‌های اجتماعی و شخصی که گاهی به کار و وظیفهٔ زن نیازی پیدا کند، به این معنا نیست که فرصت کار و وظیفه را برای مرد تنگ نموده و رقابت را آغاز نماید، و یا اینکه در حوزه کار و شغل اساسی خویش سهل انگاری و یا کوتاهی نماید، و این مقام را فرصت مناسبی می‌بینیم تا جامعه و سازمانهای دولتی را متوجه مسئولیت شان ساخته، و در این راستا کوشش جدی به خرج دهند تا نیاز به کار و عمل زن در خارج از منزل را از میان بردارند، و یا حداقل آنرا کاهش دهند، و بلآخره تأثیرات منفی آنرا فرو نشانند، زیرا معامله و رفتار با زنان کاملا مانند مردان در وظایف، و ساعات کار و مناطقی که وظیفه اجراء می‌نمایند، و مدت و نوعیت و سال‌های تقاعد آنان و غیره، بدون اینکه وظیفهٔ اساسی زن در بنای خانواده، و طبیعت و سرشت بشری وی مد نظر گرفته شود، ظلمی آشکاری بوده است، چنانکه تأکید بر آن می‌نماییم که جامعه و دولت مسولیت علاج فقر که یگانه سبب بروز مشکلات مختلفی که بویژه زنان در جامعه مسلمانان از آن شکایت دارند، حل گردد، زیرا فقر و تنگدستی اکثراً زن را وادار به انجام وظایف نامناسب و غیر موافق با طبیعت آنان می‌گرداند.

5- خاطرنشان باید ساخت که مکانیزم و روشهای تعلیمی طرح شده در کشورهای اسلامی، نیاز به تجدید نظر و اقدامات جدی در این راه دارد، تا عزت و کرامت شرعی زن دوباره بوی برگردانیده شده، و وی را آماده سازد تا کار و وظایف مناسب و موافق به طبیعت خویش را بصورت درست انجام دهد، وظایفی که کسی دیگر نمی‌تواند جای وی را بگیرد، پیشنهاد ما در مورد تجدید نظر در نقشه و روش تعلیم زنان در کشورهای اسلامی بمنظور بر آورده شدن اهداف بنیادی این است که:

1-زنی را تربیت نموده و به جامعه تقدیم نماییم، که پروردگار خویش را بصورت درست عبادت نماید.

2- زنی را تربیت و تقدیم به جامعه نماییم، که فرمانبردار واقعی شوهرش باشد.

3- زنی را تربیت و تقدیم به جامعه نماییم که قادر به تربیت و پرورش درست فرزندان خود باشد.

4- زنی را تربیت و تقدیم به جامعه نماییم که بتواند خانهٔ خود را بشکل خوب و منظم اداره نماید.

5- زنی را تربیت و تقدیم به جامعه نماییم، که در راه آبادی و بازسازی جامعهٔ خود، در اموری که بوی تعلق می‌گیرد، سهم فعالی داشته باشد. بدون تردید خللی بزرگی که در روش تعلیمی زن بنظر می‌خورد اینست که، منهج تعلیمی زن و مرد باهم یکسان است البته بگونه‌ای که وی را آماده به وظایفی می‌سازد که مرد نیز در آن راستا علم و دانش می‌آموزد، زیرا طرح و نقشهٔ تعلیمی برای هردو جنس پی‌ریزی شده، و هردو تحصیل یک دانش را در همه مراحل آموزشی طی می‌کنند که این خود تجاوز بر حق زن بوده و از کرامت و منزلت وی می‌کاهد، چنانکه وقایعی بسیاری در این عصر رخ می‌دهد که اکثراً ارتباط مستقیم به این خلل دارد، مانند وجود زنهای بی‌شوهر، واقع شدن طلاق، نا امیدی و شکست روحی، بسا مشکلات خانوادگی دیگر. از اینرو بر افراد جامعه بویژه پیشگامان امت و اهل رأی و نظر، لازم است تا در مقابل هرگونه کوششها و تصامیم و یا تبلیغاتی که بخاطر یکجا بودن ذکور و اناث در مراکز تعلیمی و طبق برنامه تعلیمی واحد چه در اهداف و مقاصد، و یا در طرز و طرح آن صورت می‌گیرد، ایستاده‌گی نموده و از آن جلوگیری نمایند، تا از مقاصد والای شریعت اسلامی که مصالحی بی‌شماری را تأمین و محقق می‌سازد، حمایت و حفاظت شده، و همزمان مفاسد مترقبه دفع و یا کاهش یابد روی همرفته زندگی شرافت مندانه‌ای که کرامت و حقوق افراد جامعه در آن مصون و محفوظ باشد ایجاد گردد، همچنان نتایج مثبتی که از جدایی تعلیم دو جنس، و مفاسد یکجا بودن آندو، از لابلای تجارب و وقایع بدست آمده است، ثابت و محقق گردیده تا مصداق تعالیم اسلام برای منکران و مخالفان آن روشن و هویدا گردد.

6- جامعهٔ مسلمانان این مسؤلیت را بدوش دارد تا ظلم و بی‌دادگری را از همه افراد خویش برطرف نموده، فرمان الهی را در مورد تحریم ظلم میان بندگان عملی نمایند، چنانکه پیامبر اکرم ص در آنچه از پروردگارش نقل می‌کند، روایت شده است که خداوند ﷻ فرمود: «ای بندگانم من ظلم و ستم را برخویش حرام کردم و نیز در میان شما

آنرا حرام ساختم، پس به یکدیگر ظلم و ستم نکنید» (روایت مسلم). و از زشت‌ترین ظلمی که میان بندگان رخ می‌دهد، ظلم بر زنـان مـی‌باشـد، پیـامبر گرامـی مـا ص فرمـوده‌انـد: «پروردگارا! من گنه‌کار می‌دانم کسی را که حق دو ضـعیف، زن و یتـیم را پایمـال کنـد» (روایت نسایی). یعنی از این کار زشت سخت ممانعت می‌کنم، متأسفانه ظلم بر زن چه مادر و یا همسر و یا دختر اشکال گوناگونی را بخود گرفته، مانند محروم شدن وی از حقـوق مسلمش، توهین به کرامت وی، بی‌حرمتی در معاشرت با وی، و بهره‌برادری نادرسـت از اینکه ضعیف و ناتوان است، که همه نتایج ناگوار بسبب ضعف و کاهش در تعالیم دینـی میان مسلمانان و بروز وسایل و موارد بداخلاقی، که این‌همه دگرگونی‌ها حاصـل و ثمـرۀ دوری از راه و روشی که خداوند ﷻ آنرا وضع نموده مـی‌باشـد، چنانکـه مسـلط شـدن بعضی از رسم و رواج‌های غربی در جوامع مسلمانان که در نتیجۀ پذیرش و تقلیـد از راه و روش و رسم و رواج زندگی آنان که در کشورهای اسلامی تراوش نموده است، بـوده و آثار و مظاهر آن به چشم می‌خورد، مانند پدیدۀ خشونت خانوادگی، و تحریک مسـایل جنسی و خیانت میان زن و شوهر، و اضافه از آن ظلم و بی‌عدالتی میـان همسـران، و یـا تنگی و تندی برآنان، و یا خوردن مال آنها به ناحق، و یـا تقصـیر و کوتـاهی در بـرآورده نمودن نفقۀ آنان، و یا پایمال نمودن حقوق و کرامت زنان در وقت طلاق، همچنان ظلم و ستمی که بعضی از پدران در مورد ازدواج دختران جبراً بر آنها روا می‌دارند و یـا هـم در مورد تربیت و آموزش آنها توجهی نمی‌نمایند، و یا تفـاوت و فـرق‌گـذاری در تعامـل و مصرف میان دختران و پسران، و یا انتخاب شوهر نامناسب به آنان، و یا تأخیر در ازدواج آنها و غیره اشکال و انواع ظلم و ستمی که شریعت غرا آنرا مـردود مـی‌شـمارد، همـه از فرهنگ و راه و روش غرب الهام گرفته شده که سبب این هرج و مرج و دگرگـونی‌هـا و ظلم و تلف حقوق زنها در جوامع مسلمانان گردیده است. پس رفع همچو ظلم و ستم و کاهش آن تا حد امکان مسئولیت و وجیبۀ شرعی است که باید در راه اصلاح آن اقدامات جدی و عملی صورت گیرد، و حتی فرصت برای اقـدامات قـانونی و قضـایی برضـد آن

داده شود و زمینه بخاطر از بین بردن آن هموارگردد، و یا اینکه بعد از بوقوع پیوستن آن حداقل حل و فصل مناسب طبق مقررات شرعی صورت گیرد، و لازم می‌بینیم که باید برای وقایه از این گونه حوادث و اوضاع دردآور، برنامه‌های تربیتی و آموزشی اسلامی و فرهنگی پی‌ریزی شده به افراد جامعه تعلیم داده شود تا از مقررات شرعی و احکام آن آگاهی پیدا کرده و آشنایی کامل به حقوق و واجبات شرعی حاصل نمایند و حق خود و حق غیر را طوریکه لازم است بشناسند. این یگانه وسیله‌ای وقایویی است که می‌توان از تأثیرات و نظریات ناگوار غربی و شرقی کاست، و تقلید کورکورانه از فرهنگ‌های غربی مخالف با شریعت و ارزشهای والای اسلام را از بین برد.

7- همچنان جهانی شدن زندگی اجتماعی و حیات زن از دیدگاه مادی‌گرای غربی و آزادی در سرمایه، تجاوز واضحی بر حقوق زن در همه جهان، بویژه در کشورهای اسلامی بوده است که عبارتند از:

الف- آنچه در جهت وضع قوانینی که جهانی شدن آنرا می‌خواهند تعلق می‌گیرد، به گونۀ که بر اساس فرهنگ میراثی و یک‌جانبه و تحت نفوذ یک جهت، و کشمکش‌های حقوقی تاریخی بنا نهاده شده که مربوط به یک منطقۀ محدود روی زمین بوده، و هیچ گونه مشابهت فرهنگی و قانونی با اغلب مناطق جهان ندارد.

ب- جهانی شدن قوانین بر اساس مادی‌گرایی و نظام سرمایه داری و بر اساس منفعت بنا نهاده شده است که منافع مادی نسبت به همه چیز اعم از اخلاق و ارزشهای محدود و مقید، حتی از ضوابط وضع شده بخاطر این منافع، مقدم دانسته شده است.

ت- آنچه در مورد رویدادهای زندگی متعلق به زن، و حالت وی در غرب ارتباط می‌گیرد، که از طریق رسانه‌های خبری و شاهدان عینی، و یا با اطلاع یافتن بر احصایه‌ها و تحقیقات و گزارشها برملا می‌گردد. همچو رویدادهای اجتماعی بد و ناگوار، پرده را از چهرۀ حقیقی مبلغان و داعیان جهانی شدن قوانین بر می‌دارد، هرچند آنها سعی می‌کنند که آنرا با طرق رنگارنگ دروغین اطلاعاتی، و درخشندگی گیرای حقوق سالاری ساختگی، پوشش داده به جهانیان نشان می‌دهند. مگر نمی‌دانند که آفتاب را به دو انگشت

نمی‌توان پوشید. در حالیکه خشونت‌های خانواده‌گی، غصب و تجاوز جنسی حتی به سطح شخصیت‌های برجستۀ سیاسی و دینی آنها رو به افزایش است. از یکسو فشار و اجبار کار بر زن در کشورهای غربی روز افزون بوده تا لقمه نانی را خود بدست آرد، و از سوی دیگر پدیده‌ای که بیشتر رو به افزایش است وجود کودکانی که اصلاً بی‌سرپرست هستند و یا اینکه سرپرست آنها یک نفر است – که از راه آمیزش یک مرد باچند زنی بدنیا آمده اند– با این حال تناسب از هم پاشیدن خانواده‌ها نیز گریبانگیر آنان گردیده، و مجتمعات غربی را تهدید می‌کند، تا بلآخره مجبور شده‌اند بخاطر جلوگیری از نابودی خانواده بطور کلی، متوسل به تصویب قانون اجتماعی جدیدی شوند، تا مفهوم خانواده و لو بطور شکلی بحالش برگردد، این قانون شامل چند ماده است از جمله: دو شریک می‌توانند بدون عقد نکاح، تازمانیکه خواسته باشند باهم زندگی نمایند، هرچند اگر از یک جنس هم باشند، از این‌رو مفهوم ازدواج همنوع اجتماعی شیوع و افزایش یافته است بطور مثال، در متن گزارش سالانۀ انستیتوت تحقیقات جمعیت شماری فرانسه که به پارلمان آن کشور پیشکش شده است در متن آن چنین آمده است: (کشور فرانسه در مرتبۀ چهارم بعد از فنلند و ناروی و سویدن قراردارد که در این کشورها عقد نکاح رو به کاهش بوده، فرصت را برای روابط آزاد و بدون عقد نکاح باز کرده است، که سالانه (450) هزار از این‌گونه روابط نامشروع که آنرا ازدواج می‌نامند، بوقوع می‌پیوندد، چنانکه معاشرت و آمیزش همیشه و مستمر، بدون عقد نکاح میان هم جنسان، مرد با مرد، و زن با زن، صورت می‌گیرد که سالانه (30 ,000 ) از این‌گونه روابط میان همجنسان واقع می‌گردد).

8- همچنان گرایش دوگانه و پیچیدگی در قانون و مصادر توجیهی اجتماعی و اخلاقی، جوامع مسلمانان را در فتنه‌ها و گمراهی قرار می‌دهد، و هویت و شخصیت اجتماعی و فرهنگی آنان را مشکوک ساخته، و راه را بر آنان مبهم و تاریک می‌گرداند، و مردم را از نور فروزان اسلام محروم گردانیده، و آنها را در سرگردانی فکری و گمراهی قرار داده همه امور را به بن‌بست مواجه می‌سازد. چنانکه می‌دانیم که یک جامعه متشکل

از حلقه‌های پیوسته مردم می‌باشد که برپایه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اخلاقی بنا نهاده شده، و ایجاد هرگونه خللی در یکی از این پایه‌ها، تأثیر بدی بر دیگر پایه‌ها خواهد گذاشت، و این خود سبب می‌شود تا در مورد اصلاح هرگونه خللی باید دید و نظر شامل داشت، بدین ملحوظ هم آهنگی و پیوستگی قانونی هرپایهٔ آن باید بر اساس فرامین الهی که امور را در نصاب و جایگاه درستش قرار می‌دهد، بنا گذاشته شود، چنانکه خداوندﷻ می‌فرماید: ﴿لَّا يَأۡتِيهِ ٱلۡبَٰطِلُ مِنۢ بَيۡنِ يَدَيۡهِ وَلَا مِنۡ خَلۡفِهِۦۖ تَنزِيلٞ مِّنۡ حَكِيمٍ حَمِيدٖ ٤٢﴾ (فصلت: ٤٢).

«باطل از پیش روی آن و از پشت سر آن در آن راه نمی‌یابد، فرو فرستاده‌ای از سوی الله (ﷻ) با حکمت ستوده است».

لذا باید قوانین و مقررات لادینی سکولرستی از جوامع مسلمانان برچیده شود، و به بشریت نمونه‌های عملی و واقعی حقوق و کرامت انسانی که اسلام به آن تأکید می‌ورزد، ارایه گردد. و به زن فضای آزاد فراهم گردد تا از عدل و داد شریعت، و تجلیل و احترامی که آیین اسلام به آنان قایل است، بهره‌مند شده، و جلو هرگونه حماقت و آشفتگی که بر زنهای پابند در دین و ارزشهایش صدمه وارد می‌کند، گرفته شود تا بتوانند در مراکز تعلیمی در فضای آرام به تعلیم خود ادامه بدهند و در آینده مصدر خدمت به جامعهٔ اسلامی و هکذا قادر به تشکیل خانوادهٔ با عفت و سالم باشند.

# سفارش‌ها و درخواست‌ها

## 1- مسؤلیت امت و جوامع مسلمانان

الف: احتراز و با حذر داشتن از متلاشی و منحل شـدن شـریعت و قـانون الهـی، چـه بطور کلی یا جزوی، و یا بازی کردن با اخلاق و ارزشهای جامعه مسلمانان، زیرا اینکار نه تنها شکست فرهنگی و معنوی بوده، بلکه منجر به مقهور شدن و تسلیم شدن به دشـمنان گردیده و سلطان سیطرهٔ آنان را بر امت اسلامی تقویت می‌بخشد.

و اگر همچو فروتنی در مقابل دشمنان صورت گیرد، پس منتظر عقوبت الهی در دنیا و آخرت باید بود، خداوندﷻ می‌فرماید: ﴿فَلۡيَحۡذَرِ ٱلَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنۡ أَمۡرِهِۦٓ أَن تُصِيبَهُمۡ فِتۡنَةٌ أَوۡ يُصِيبَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ ٦٣﴾ (النور: ٦٣).

«پس کسانیکه از فرمان او تمرد می‌کنند، باید برحذر باشند از آن فتنه‌ای به ایشان رسد یا به عذابی دردناکی گرفتارشوند».

پیامبر اکرم ص می‌فرمایند: «خداوندﷻ غیرت می‌کند (خشمناک می‌شـود)، و غیـرت خداوند در آن وقت است که شخص محرمات خدا را انجام دهد» (متفق علیه).

ب- حمایت و حفاظت از اخلاق و عفت افـراد جامعـه، کـه بایـد مراجـع تعلیمـی و وظیفوی دراین راستا توجه جدی بخرج دهند. و از وسایل اطلاعاتی و فرهنگی و ترفیهی و غیره در راه حفظ و نگهداشـت ارزشـهای اخلاقـی محـیط مسـلمانان توجـه نمـوده و گام‌های مؤثری در این راه بردارند، و از مختلط شدن تعلیم، میان ذکور و اناث و همچنان در ساحات کار جلوگیری به عمل آید، زیرا همچـو وقایـه از مهمتـرین وسـایل حفـظ و حمایت عفت و پاکی و اخلاقیات جامعه بشمار می‌رود، و این خود مقاومت و ایسـتادگی و در عین حال ضربهٔ قویی بر دشمنان بوده و باعث خنثی نمودن همه مکاید و توطئه‌های آنها که بر ضد عفت و حجاب و بلاآخره ناموس مسلمانان برراه انداخته اند، می‌شـود، إن شاءالله. چون همه دشمنان در پیمان سرنگونی و ریشه‌کن نمودن همه اشکال فرق گذاری

و تفاوت میان زن و مرد با حمایت و سردمداری سازمان ملل متحد، و با ترکیب و قیافه غربی، جبهه‌ای مشترکی را تشکیل داده و جنگ قویی را علیه این مبداء گوارا که از جانب خالق بشر تصویب و نازل گردیده، آغاز نموده اند. و خواستار مختلط ساختن زن و مرد در همه عرصه‌های زندگی هستند و برای تحقیق این هدف شوم شان از هرگونه وسائل شیطانی استفاده می‌کنند، پس باید جوامع اسلامی بیدار شوند و در پذیرش و افتتاح مؤسسه‌های غربی محتاط باشند و همه جوانب آنرا قبلاً مد نظر بگیرند و یک حد و خط عدم تجاوز را در فعالیتهای آنان تعیین کنند، زیرا مؤسسات و مراکز اطلاعاتی و تعلیمی و نمایندگیهای سیاحتی و تفریحی و فرهنگی که در کشورهای اسلامی به کثرت سرمایه گذاری کرده اند، صرف بخاطر بهبود روابط اقتصادی و یا سیاسی و کمک و همکاری نبوده بلکه فعالیتهای آنان با مقاصد، اهداف، فرهنگ و اخلاق اسلامی کاملاً در تصادم واقع شده و خطر بزرگی محسوب می‌شوند که ارزشهای امت مسلمه را تهدید می‌کند. و فعلاً که آنها کشورهای اسلامی را هدف قرار داده‌اند، نیاز به ایستادن و برخاستن همه مردمان مخلص به دین، از جمله علما، دانشمندان، اندیشمندان، متخصصان علمی، مردمان برجسته، تجار و بلآخره عامهٔ مردم دارد که دوشادوش هم، صاحبان این برنامه‌ها را اصلاح نموده به راه راست و حق برگردانده، و زن مرد و همه افراد جامعه را از شر آنان نجات دهند.

ج- بر والیان امور مسلمانان واجب است تا دست نادانان و هوس‌رانان و شهوت‌پرستانی که در ساحات تعلیمی و یا فرهنگی و یا اطلاعاتی و غیره وظیفه انجام می‌دهند، کوتاه ساخته، و نگذارند تا حقوق شرعی زنان مؤمن پایمال گردد، همچنان آنانیکه محافل فحشا را طرح ریزی نموده و آنرا برپا نموده و انتشار می‌دهند و از اینراه لکهٔ بدنامی را به جوامع اسلامی و ارزشها و آداب آن وارد می‌کنند و حیثیت و شرف و آبروی همه را می‌ریزانند تا بتوانند باداران خود را راضی کنند، بی‌خبر از آنکه خود ایشان به حرام تغذیه شده و مؤسسین پستی و رذالت و فرومایه‌گی و دیوثی در جامعه به حساب می‌روند. طبعا بیشتر شان به سبب جهل و نادانی و یا به سبب فریب خوردن آنها

بوده که نه از ارزشهای دین اسلام باخبرند و نه تا الحال معیار و مقیاس ترقی و تمدن حقیقی را درک توانسته اند، پس باید جلو همچو اشخاص گرفته شود. پیامبر اکرم ص می‌فرمایند: «حتما از دست ظالم بگیرید و وی را بسوی حق برگردانید». (روایت ابوداود).

د– علماء و دانشمندان و مصلحان جامعه باید در زمینهٔ وجیبه دینی، مسئولیت شرعی خود را در قبال جامعه فراموش نکنند و مردم را به خیرخواهی دعوت کنند و ازکارهای نا پسندیده وا دارند و هر تحریکی را که از هر جانب مشاهده می‌کنند ولو که به جهات دیپلوماتیک هم ربطی داشته باشد و یا اینکه کوچک بنظر بخورد در هرحالت آنرا نادیده نگرفته در مقابل آن بی‌تفاوت نمانند بلکه برضد آن عکس العمل جدی از خود نشان بدهند و عواقب همه فعالیتهای مغرضین را به آگاهی مردم برسانند چون واجبات و ضروریات شرعی و حفظ اساسات و شعائر دین از هر چیز مقدم تر است. و به تأکید که در اینگونه حالات ایستادگی و حق را بیان کردن از شیوه های پیامبر ص و صحابهٔکرام و علمای سلف صالح این امت است که باید علمای امروز به آنها اقتدا کنند. خداوندﷻ می‌فرماید: ﴿وَلۡتَكُن مِّنكُمۡ أُمَّةٞ يَدۡعُونَ إِلَى ٱلۡخَيۡرِ وَيَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ١٠٤﴾ (آل عمران: ١٠٤). «و باید از شما گروهی باشند که به خیر دعوت کنند و بکار پسندیده امر، و ازکار ناپسند منع کنند و آن گروه ایشانند رستگاران».

و– تأکید براینکه پنهان نمودن علم خطربزرگی است، بویژه هنگامیکه در بیان و توضیح آن در وقت ضرورت تأخیر صورت گیرد، خداوندﷻ می‌فرماید: ﴿وَإِذۡ أَخَذَ ٱللَّهُ مِيثَٰقَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ لَتُبَيِّنُنَّهُۥ لِلنَّاسِ وَلَا تَكۡتُمُونَهُۥ فَنَبَذُوهُ وَرَآءَ ظُهُورِهِمۡ وَٱشۡتَرَوۡاْ بِهِۦ ثَمَنٗا قَلِيلٗاۖ فَبِئۡسَ مَا يَشۡتَرُونَ ١٨٧﴾ (آل عمران: ١٨٧).

«و یاد کن هنگامی را که خداوند از کسانی که به آنان کتاب داده شده [یهود و نصاری] پیمان گرفت، که حتما باید آنرا برای مردم بیان نمایید و کتمانش نکنید، پس آن

عهد را پشت سرخود انداختند و آن را به بهای ناچیز فروختند، چه بد است آنچه خریدند». خصوصاً هنگامیکه با مبادی دینی و اخلاقی و حقوقی برخوردی صورت گیرد، و خطرناکتر از این، توجیه نمودن تصامیم و مقرراتی که با ارزشهای اجتماعی و شرعی مغایر است، چه این توجیه از روی رغبت باشد و یا از روی بیم و ترس، و یا اینکه توجیه آن بمنظور مصلحت خیالی و بی‌اساسی که مخالف با نصوص و قواعد شرعی است باشد.

ی– امت باید آگاه باشد براینکه ارزش و قیمت فرهنگی و اجتماعی و اخلاقی و حقوقی که بر کشورهای غربی حکمفرماست، بسیار ناچیز بوده با وجود آنهم می‌خواهند بازور و جبر دولت‌های غربی آنرا بر جهان نافذ و پخش نمایند، که نه تنها سازگار باسرشت پاک انسانی و قوانین و مقررات درست و صحیح نیست، بلکه اصلا براساس معیارهای فرهنگی میراثی بنا گذاشته شده که پشتیبانی از فرهنگ مخترعان آن نموده، و با فطرت سلیم در بسیاری از احوال در تصادم است. که این خود ایجاب می‌کند تا در مورد اهلیت و جهانی بودن مبادی حقوقی آن، و صحه گذاشتن بر اینکه کلیه حقوق بر اساس آن پایه گذاری شود، تجدید نظر صورت گیرد، و ما بر اهمیت این تجدیدنظر در مورد حقوق انسان، در پرتو فطرت سلیم و عقل درست و سالم، و فرامین درست و دقیق و بجایی که همه دیانت‌های آسمانی بر آن اتفاق نظر دارند، تأکید می‌نماییم، و مطمئنیم که این همه اوصاف جز در مبادی حقوقی آیین اسلام، در دیگر آیینی پیدا نیست، که جای گزین بهتر و کاملتری، که بتواند از ارزش جهانی برخوردار بوده، و معیار و مقیاس کاملی در مورد سرنوشت حقوق انسان را دارا باشد.

## مسؤلیت زن مسلمان

أ– بر زن مسلمان لازم و واجب است تا در پایبندی خویش به دستورهای شریعت مطهر، با وجود فشارهای خصمانۀ دشمن کوتاهی ننماید، و آنچه دراین راستا بوی تعلق می‌گیرد اینست که، باید پایبندی تام به حجاب شرعی داشته باشد بگونه‌ای که آنرا فریضۀ دینی دانسته و به آن افتخار نموده و یقین کامل داشته باشد که خداوندﷻ در برابر این

عبادت، وی را پاداشی بزرگ خواهد داد، و اینرا درک کند که حجاب و در پرده بودن زن مسلمان، بخاطر خشنودی پروردگار مهربان، و حفظ عزت و کرامت وی، و زدودن توهین و تحقیر از اوست.

بدون تردید پایبندی زن‌های با عفت و پاکدامن به حجـاب شـان، مطـابق مقـررات و احکام شرعی، و سفارش نمودن سایر زنان به آن، از مهمترین وسایلی است که جامعـه را از رذایل و پلیدی‌ها محفوظ نگه‌داشته، و در مقابل دشمنان نشسته در کمین، و متجاوز بر منافع و مصالح دنیوی و اخروی ما مقاومت می‌نماید، چنانکـه پایبنـدی و چنـگ زدن زن مسلمان به حجابش، جهادی بزرگی – نظر به توانش– حساب می‌شود، خصوصاً در سایۀ جنگ شعله‌وری که امروز دشمن علیه این اصل شرعی آنرا افروخته است.

ب– این یک ضرورت اجتماعی است که زن به مسئولیت‌های اجتماعی خود پی برده، طبق مقررات شرعی، نقش اصلی و حقیقی خود را در جامعه ادا کند. زن مسلمان باید در برداشت مسئولیت اجتماعی خویش سهم فعالی گرفته و نقـش ارزنـده و حقیقـی کـه در جامعه دارد، از لابلای بندگی واقعی اش به خداوندﷻ به اجرا در آورد، که از جمله نمای اجتماعی آن، تربیت و پرورش درست فرزندان، سرپرستی شایسته خانواده، و مستقر بودن وی در منزلش است – مگر اینکه بخـاطر ضـرورتی بیـرون آیـد –، و حیـا و حشـمت و ظرافت ادبی شرعی، و حفظ عزت و کرامت و آبروی خویش را مـد نظـر گرفتـه بخـاطر ضرورتی که از محل اقامت خود خارج شده، آنـرا رفـع نمـوده واپـس بخانـه برگـردد و همیشه کوشا باشد تا عفت و پاکیزگی را در جامعه و میان سایر زنان انتشار بدهد و آنانرا از لغزش در شر و فساد برحذر نماید، و زنان ثروتمنـد را از حقـوق خداونـد و محاسـبه اللهﷻ با آنان آگاه ساخته –با آنکه نفقه آنان بردوش شوهرانشان اسـت– تـا مبـادا مـال و دارایی خویش را در راه باطل و یا امور بی‌ارزش، و یا اسراف در وسایلی که قابل خریـد نبوده، آن هم بخاطر رقابت و یا مودپرستی تلف ننمایند، بلکه در راه‌های خیـر و احسـان به مردم، و هرآنچه سبب خشنودی خداوند متعال می‌گردد، بمصرف برسانند. و در خاتمه

چیزی مهمی که باید تذکر یابد اینست که باید در ناحیهٔ آموزش زنان توجه جدی صورت گیرد – البته بعد از بررسی علمی – که به خواست و ارادهٔ خداوند، بدینوسیله حرکت بیداری حقیقی زن در جامعه‌های مسلمانان بسرعت پایدار و برقرار خواهد شد، و تضمین کنندهٔ حقوق مسلم وی که خداوند دانا و آگاه بر همه چیز، و قدرتمند و با حکمت، به آنها عطا فرموده خواهد بود، و در راه پیشرفت و انکشاف جامعه نقش فعال و مثبتی واقعی خواهد داشت، بدون طی نمودن مراحلی فجیعی که زنان غرب از آن می‌گذرند، و جامعه را به سرشت وخیمی دچار می‌کنند. زنان مسلمان با عملی نمودن ارشادات الهی و سنت پیامبراکرم ص نمونهٔ از عدل و انصاف برای کسانی خواهد بودند که خواستار خیراندیشی و صلاح برای زنان جهان اند. بدیهی است که این قضیه به نقشه کشی، و پیمودن مراحل پی درپی، و انجمن و سازمان‌ها، و برنامه و طرح ریزی متعددی نیاز دارد تا در ایجاد قانون و مقررات مربوط به زنان و تنفیذ آن اقدام صورت گیرد، تا باشد که این سند شرعی در راه تحکیم بخشیدن یکی از پایه‌های آن نقش اساسی داشته باشد، لذا بردانشمندان شرعی لازم است تا همگام با اهل اختصاص در زمینه‌های اجتماعی، و اقتصادی و تربیوی و غیره گردهم آمده بر ترکیب و ساختار روشی سالمی مربوط به مسایل زن، چون آموزش، کار، سر گرمی و تفریح و غیره به نتیجهٔ مثبتی رسیده و بخاطر تعیین برنامه‌های عملی و محقق ساختن این ساختار و ترکیب‌ها که از احکام شریعت سر چشمه گرفته باشد اقدام نمایند، پس مقرر نمودن طرز عمل‌های واقعی بمنظور تنفیذ این برنامه‌ها باید بر دو اساس پایه گذاری شود:

اول: بر اساس مدارک و دلایل شرعی از جمله عقاید و احکام و مقاصد شریعت پایه گذاری گردد.

دوم: هم آهنگی واقعی با مسایل نو و تازه زندگی داشته باشد. تا حمایت درست و سلیم از جامعه مسلمانان تحقق یافته و راه‌های سودمندی باز گردد تا مردم از زندگی آرام و مرفه واقعی برخوردارگردند، چنانکه بردانشمندان و متخصصان لازم است که همچو مسایل و امورخطرناک را بدست کسانی نگذارند که از دین خدا و مقاصد شریعت و

احکام آن آگاهی ندارند و یا آنعده مردمانی که شکست فرهنگی و معنوی خورده اند، و نباید آنرا تسلیم رویدادهایی امروزی نمایند و نباید بر اساس آن راه‌های حل مقرر و تعین گردد که احتمال عدم موافقت با مصالح شرعی، که ضامن خیراندیشی و خیرخواهی مردم است داشته باشد. همچنان باید این برنامه‌ها و ساختار آن حاصل علم شرعی درست، و دور از هرگونه اندیشه و تصورهای خیالی و وهمی بوده پیش آمدهای حیاتی درخور تغیر را، چه در موقع مناسب و یا دشواریها مد نظر گرفته باشد، و از پیشکش نمودن برنامه‌های نمایشی که تطبیق آن در زندگی روزمره دشوار و سنگین تمام شده، و مردم را به بیراهه می‌کشاند، اجتناب صورت گیرد، چنانکه نباید تابع رویدادهای بی‌ثبات گردیده و آنرا با اهداف و مقاصد و احکام شریعت همدوش و در جریان قرار دهد، از اینرو لازم است که شتاب در فراهم نمودن دیدار و مجالس دراین باره میان علمای شریعت اسلامی و متخصصان مخلص و دلسوز انجام یابد، تا در روند اصلاح جامعه و سازماندهی درست، و در موارد اقتصادی و تربیوی که بی‌نهایت مهم و پر اهمیت است، بحث و مناقشه صورت گیرد، تا به این وجیبهٔ شرعی که گنجایش تاخیر و تعویق را ندارد، اقدام عملی به عمل آید. نکته مهم اینست که باید به کیفیت و آیین مردم‌داری و آشنایی با وضع زندگی آنان آگاهی داشت – بدون اینکه خیر و شر و یا تصادم آنان با مفکوره و اعتقاد مردم را در نظرگرفت – زیرا امکان دارد با مرور زمان وضع دگرگون گشته و ارزشی را کسب نماید که از جمله تقاضاهای اساسی جامعه شمرده شود و مردم را بسوی خود فرا خواند، و اینکه چه نتایجی از آن ببار می‌آید، مسالهٔ جدایی است، آنگاه نه تنها رهنمایی دشوار خواهد بود بلکه مقابله با آن و تغیر جهت دادن نیز کاری مشکلی خواهد شد. و در خاتمهٔ این وثیقه نامه از مژده‌ای شما را باخبر می‌سازم که تصمیم و عزم شما را راسخ‌تر و قاطع‌تر ساخته ان شاءالله سبب آماده‌گی هرچه بیشتر و مزید تان می‌گردد و آن اینکه دین اسلام در پخش و انتشار میان اقشار و توده‌های جهانی نسبت به همه ادیان سریع‌تر بوده –والحمدلله والمنة – کسانی که مشرف به آیین اسلام می‌شوند بیشتر آنها از کشورهای

غربی بویژه زنان آنهاست، که با وجود حملات شدید و پیهمی که بمنظـور بـدنام نمـودن اسلام، و زشت جلوه دادن وضع زن در جوامع اسلامی انجام مـی‌پـذیرد علـی الـرغم آن همه، به ندای اسلام لبیک گفته و به این دین مقدس مشرف می‌شـوند و خداونـد متعـال شرف ایمان را به آنها عطا می‌فرمایـد و آنهـا را از ایـن همـه رنـج و عـذاب و زنـدگی پرمشقت و رقتبار غرب، که سالها در زیر سایهٔ قوانین و مبادی ساخت بشر که از هدایات و رهنمودهای ارزشمند اسلام بسیار بدوراست زندگی بسر می‌برند، رهایی بخشـیده و از آزادی و کرامت حقیقیی که زیرسایهٔ شریعت و آیین اسلام که از جانب پروردگار جهانیان برای بشریت مقرر شده، احساس تشنگی آنرا می‌کردند برخوردار گرداند.

وصلى الله على نبينا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين.